

زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن!

در گرامیداشت یک هشت مارس متفاوت

شهلا دانشفر

صفحه ۲

ترس، دلیل حملات جمهوری اسلامی به زنان

شهلا خباززاده

صفحه ۳

مشروعیت بخشیدن به حکومت زن ستیز اسلامی، شرم آور است!

نامه سرگشاده به زنان هیئت دیپلماتیک-تجاری سوئد که به ایران سفر کردند

صفحه ۴

عروج گرایش نئوفاشیستی و درهم شکسته شدن تابوی سوسیالیسم در جامعه آمریکا مصاحبه با علی جوادی

صفحه ۷

سه اتفاق مهم در یک روز

صفحه ۶

مخمسه حکومت اسلامی بر سر تعیین میران حداقل دستمزدها

صفحه ۸

شهلا دانشفر

این فقط یک نمونه است:

بودجه "خدمات حوزه علمیه و نهادهای ویژه فرهنگی"!

صفحه ۱۰

۱۰ برابر بودجه آتش نشانی تهران!

۱۴۰ هزار امضا در حمایت از کمپین "بودجه علانیه" و ضرورت

گسترش اعتراضات معلمان

صفحه ۱۳

محمد شکوهی

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۰۲

جمعه ۱۳ اسفند ۱۳۹۵، ۳۰ مارچ ۲۰۱۷

قرارها و قطعنامه های پیشنهادی به

کنگره دهم حزب کمونیست کارگری

- قطعنامه درباره عروج راست افراطی در غرب
- قرار در حمایت از زندانیان سیاسی و خانواده های آنها
- قرار در مورد بیانیه حقوق شهروندان در ایران

صفحه ۱۲

پیامهایی به کنگره دهم

حزب کمونیست کارگری

از ایران: آرمین دشتی و مهدی پویا

صفحه ۱۳

لیست کامل ۱۴۰ نماینده کنگره دهم حزب

به ترتیب الفبا

صفحه ۱۴

آئین نامه کنگره دهم حزب

صفحه ۱۴

دستور جلسه کنگره دهم حزب

صفحه ۱۰

خانواده های کارگران فولاد اهواز به

تجمع پیوستند

حقوق کارگران پرداخت شد!

صفحه ۹

شهرداری تهران دو کارتن خواب را

در اقدامی جنایتکارانه به قتل رساند!

صفحه ۹

در گرامیداشت یک هشت مارس متفاوت

شهلا دانشفر



علیه حجاب و زن ستیزی حکومت آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی تبدیل شد. بعد هم دامنه این اعتراض به موضوع لغو شرط حجاب برای ورزش زنان کشیده شد. کارزار دیگر حق ورود زنان به

استادیوم های ورزشی است. در راستای سیاست های تبعیض جنسیتی حکومت اسلامی، زنان در ایران از حق ورود به ورزشگاهها محرومند. این نیز یکی از عرصه های نبرد زنان و مردم آزادیخواه ایران

علیه آپارتاید جنسی حاکم بر جامعه بوده است. بدنبال اعتراضات گسترده ای که خصوصا در سال های دهه هفتاد و هشتاد علیه این جداسازیها صورت گرفت، فشار کنفدراسیونهای ورزشی آسیایی و جهانی برای پایان دادن به این ممنوعیت ابعاد تازه تری به این موضوع داد. بطوریکه کنفدراسیون فوتبال آسیا به فدراسیون فوتبال ایران در این زمینه اولتیماتم داده است. و این کارزار در طول سالهای حکومت اسلامی را گامهای بسیاری به عقب رانده است و این کارزاری است که همچنان جریان دارد.

جدا از کارزار در عرصه های ورزش ما شاهد کارزارهایی چون کارزار دفاع از حق طلاق برای زنان، حق آواز خوانی زنان، حق برابر زنان برای برخورداری از بیمه بیکاری و کارزارهای اجتماعی بسیاری دیگر در عرصه های مختلف تبعیض جنسیتی علیه زنان بوده هستیم. و این اعتراضات هر روز قویتر و سازمانیافته تر به جلو آمده است. از جمله در رابطه با هشت مارس که در پیش داریم از سوی زنان و مردان آزادیخواه از شهر لنگرود در مدیای اجتماعی فراخوانی منتشر شده، که به نوع خود جالب و قابل توجه است. در این فراخوان اعلام شده است که

صفحه ۷

شطرنج در تهران را تحریم کرد. نایجل شورت، شطرنج باز بریتانیایی نیز خواستار لغو انجام این مسابقات در ایران و برگزاری آن در کشور دیگری شد. پتیشنی هم با عنوان تحریم شرکت در مسابقات شطرنج زنان در ایران و در اعتراض به شرط گذاشتن حجاب برای شرکت در این مسابقات به راه افتاد که زنان آزادیخواه بسیاری در سطح جهان آنرا امضا کرده اند.

در این میان دختر جوانی به اسم آتنا دائمی که یک چهره سرشناس جنبش رهایی زن و دفاع از حقوق کودک در ایران است، نامه ای خطاب به فدراسیون بین المللی شطرنج زنان نوشت که در بخشی از آن چنین آمده بود: "آز شما درخواست میکنم که نسبت به تصویب حقوق زنان دنیا از جمله میلیون ها زن ایرانی بی تفاوت نباشید. این سرکوب را تحت عنوان تفاوت های فرهنگی و احترام به فرهنگ ما توجیه نکنید و از میزبان مسابقات بخواهید تا شرایط برگزاری مسابقات طبق استاندارد های بین المللی را در ایران فراهم کند." بدنبال این نامه اعتراضی پتیشنی به راه افتاد. بدین ترتیب مبارزین اعتراض علیه حجاب به عنوان شرط شرکت زنان در بازیهای شطرنج، قدمی جلوتر گذاشته و بطور واقعی به ریشه موضوع دست برده و خواستار برداشتن شرط حجاب که موضوع اصلی جدال است، شدند.

در ادامه چنین جدالی، حضور بی حجاب درسا درخشانی شطرنج باز ایران در تورنمنت جبل الطارق آنچنان جنجالی به پا کرد که یکی از نمایندگان مجلس جمهوری اسلامی خواهان برخورد دستگاههای امنیتی با رئیس فدراسیون شطرنج گردید. و این چنین بود که موضوع برگزاری مسابقات بازی زنان شطرنج جهان با میزبانی ایران، به جنبشی اعتراضی

علیه آپارتاید جنسی و علیه قوانین ارتجاعی اسلامی است. یک اتفاق جالب در دل این کارزار وقایعی بود که در همین رابطه در شهر مریوان روی داد. در این شهر در مرداد ماه هنگامیکه دوچرخه تعدادی از زنان دوچرخه سوار توسط ماموران سرکوب حکومت متوقف و چند نفری از آنان نیز بازداشت شدند، و بعد از سخنان مصطفی شیرزادی، امام جمعه مسجد جامع شهر که طی سخنانی دوچرخه سواری زنان را گناه دانسته و از نیروهای انتظامی و امنیتی خواسته بود که با انجام این کار آنان در ملاء عام مقابله شود، اعتراضات گسترده ای از سوی مردم و فعالین دفاع از حقوق زن و محیط زیستی به پا شد که به کارزاری تبدیل شد. از جمله روز ۱۲ مرداد دختران مریوانی پای پیاده در کنار دوچرخه هایشان مسیر دریاچه زریبار تا شهر را طی کردند تا اعتراضشان را علیه تبعیض علیه زن اعلام کنند و در ادامه این اعتراضات بود که طوماری اعتراضی با ۱۴۰۰ امضاء و پیوستن نهادهای مختلف اجتماعی در دفاع از حق دوچرخه سواری زنان به راه افتاد و بعد هم دامنه این اعتراضات به ساندن رسید.

نمونه دیگر از این دست کارزارها، کارزار علیه شرط حجاب برای شرکت در مسابقات ورزشی و از جمله در مسابقات بین المللی شطرنج زنان بود. قضیه از این قرار بود که فدراسیون جهانی شطرنج تصمیم گرفته بود که مسابقات قهرمانی شطرنج زنان در سال ۲۰۱۷ در ایران برگزار شود و جمهوری اسلامی با گذاشتن شرط حجاب قبول کرده که میزبان این مسابقات باشد. این شرط با چالشی بزرگ در ایران و در سطح جهان روبرو شده و به بحثی داغ تبدیل شد. بطوریکه چند شطرنج باز سرشناس از جمله نازی پیکینده، شطرنج باز معروف جهانی با اعلام اینکه اگر ما در این مسابقات به حجاب اجباری تن دهیم به معنای حمایت از سرکوب زنان در ایران است، بازی

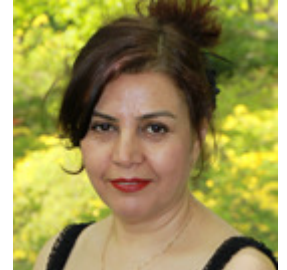
اعتراضات جاری اجتماعی است. در همین راستا امروز ما شاهد جلو آمدن بیشتر چهره های رادیکال زنان بعنوان سخنرانان اعتراضات جاری هستیم. نمونه هایش را در اعتراضات معلمان بازنشسته و اعتراضات مردم خوزستان دیدیم. یکی از این چهره ها آتنا دائمی دختر جوانی است که یکی از انتهااماتش اعتراض علیه حجاب است و با هفت سال حکم در زندان بسر میبرد. این اتفاقات همگی بیانگر شرایطی است که به استقبال هشت مارس امسال میرویم. شرایطی که انتظاراتی معینی را برای برگزاری و تدارک این روز در دستور ما میگذارد. در این نوشته میکوشم با نگاهی از نزدیکتر به کارزارهای مبارزاتی علیه تبعیض جنسیتی در سال گذشته که به طور واقعی عرصه های نبرد ما علیه آپارتاید جنسی است، داشته باشم و انتظاراتم را از هشت مارس امسال بیان کنم.

کارزارهای مبارزاتی جاری علیه تبعیض جنسیتی

یک نمونه جالب از کارزارهای اعتراضی علیه تبعیض جنسیتی علیه زنان در سال گذشته، کمپین برای حق دوچرخه سواری زنان است. البته قانونی دوچرخه سواری زنان را منع نکرده است، اما بنا بر شرع اسلام و با هزار و یک آیین نامه و بخشنامه اداری زنان در ایران از حق دوچرخه سواری محرومند. اما نکته اصلی اینجاست که زنان و مردم معترض جامعه به این تبعیض و نابرابری و تحقیر آشکار زنان تن نداده و با تعرضاتشان قدم به قدم ارتجاع اسلامی را عقب زده اند. از جمله سالهاست که جدالی بر سر دوچرخه سواری زنان و آنها هم با کنار زدن حجاب بخشی از جنگ این جامعه با جدا سازی جنسیتی بوده است. اما طی یکساله اخیر مبارزه برای حق دوچرخه سواری زنان، به جنبش و کارزاری اجتماعی تبدیل شده و ابعادی سراسری به خود گرفته است. این جنبش بطور واقعی یک اعتراض مشخص علیه تبعیض علیه زن،

در دل یک شرایط بسیار متحول به استقبال هشت مارس میرویم. جنبش های اعتراضی در ایران هر روز سازمانیافته تر به جلو می آیند و جنبش برای رهایی زن، جنبشی قدرتمند است که کل بساط حکومت اسلامی را به چالش میکشد. کنار رفتن حجاب ها و پدیده بیحجابی در جامعه بیش از پیش شکست حکومت اسلامی در تحمیل این سمبل آپارتاید جنسی بر جامعه را به نمایش میگذارد. و در کنار این پیشروی بزرگ، جنبش رهایی زن سنگر به سنگر علیه کنار زدن قوانین ارتجاعی اسلامی جنگیده و هر روز گامی بیشتر به جلو بر میدارد. از جمله طی یکساله اخیر، رکورد کارزارهای مبارزاتی علیه تفکیک جنسیتی در عرصه های مختلف اجتماعی را داشته ایم. کارزارهایی چون حق دوچرخه سواری برای زنان، علیه شرط حجاب برای شرکت زنان در ورزش، حق ورود زنان به استادیوم های ورزشی، حق زنان برای آواز خواندن، حق طلاق و حق تمامی زنان و مردان بیکار برای برخورداری از بیمه بیکاری، نمونه هایی از این کارزارها هستند که هنوز هم ادامه دارند. از سوی دیگر ما شاهد هر روز جلو تر آمدن زنان در صف مقدم اعتراضاتی که در سطح جامعه اتفاق افتاده هستیم. نمونه های قابل توجه اش در اعتراضات علیه تخریب محیط زیست، در جنبش دادخواهی و علیه اعدام و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و در مبارزات معلمان و بازنشستگان است. نمونه اخیرش مبارزات مردم خوزستان علیه آلودگی وحشتناک هوا و قطعی برق و بی آبی بود که این اعتراضات ابعادی گسترده تر یافت و مردم در اعتراضاتشان کل بساط فقر و محرومیت را به چالش کشیدند. و بالاخره در کنار همه اینها حضور چشمگیر خانواده ها در اعتراضات کارگران را می بینیم. اینها همه گویای فضای اعتراضی کل جامعه و برجسته تر شدن زنان در

ترس، دلیل حملات جمهوری اسلامی به زنان



شلا خباززاده

هنوز هم آن گاهی آن درد وحشتناک را حس می‌کنم. اواخر سال ۵۹ بود. در روزهای آغاز بهار احساس خوشی داشتم. صبح بود و هوا آفتابی و من به اتفاق دوستانم پیاده به محل کارم در میدان فلاح می‌رفتم. در خیابان امامزاده حسن مردم در رفت و آمد بودند. سه جوان از روبرو می‌آمدند. بعد از انقلاب دیدن این تیپ‌ها با ریش تراشیده و کاپشن‌های سربازی و لباس‌ها و سرو وضع کشیف بصورت امری عادی درآمده بود. بیخیال با دوستانم مشغول صحبت بودم که ناگهان احساس کردم گوشم منفجر شد. سیلی محکمی که یکی از آن جوانان به گوشم زد برای لحظاتی چیزی نمی‌فهمیدم. وقتی به خود آمدم صدای سوتی در گوشم میشنیدم و فریاد های خودم و دوستانم را. تلاش کردم تا از خودم و دوستانم در مقابل ضربات بعدی دفاع کنم. اما توان خودم را از دست داده بودم و می‌فهمیدم که مشت های ضعیف من به بدن مهاجم اثری ندارد. چند نفر در اطراف ما جمع شدند. از لابلای حرفها میشنیدم که در مورد بی‌حجابی ما حرف می‌زنند و با وقاحت تمام ایستاده و باز هم قصد حمله به من و دوستانم را داشتند. منظور آنها از حمله به خودم را فهمیده بودم و مدام داد می‌زدم: "مرگ بر فالانژ". مردمی که دور ما جمع شده بودند دور حزب الهی‌ها را گرفتند و چند نفر ما را از آنجا دور کردند. وقتی به محل کار رسیدم حالم بهتر شده بود ولی

گوش درد همچنان آزارم میداد. هنگام نهار به یکی از دکترها گفتم که گوشم سوت میکشد و درد دارد. پرسید آیا ضربه‌ای خورده‌ام. برایش ماجرا را گفتم. گوشم را معاینه کرد و گفت پرده گوشم پاره شده است. قطره‌ای داد و گفت باید موقع دوش گرفتن مراقب باشم تا آب داخل گوشم نرود. بعد از آن سعی می‌کردم که مراعات کنم. چند هفته بعد موقع دوش گرفتن توصیه‌های دکتر را فراموش کردم و آب داخل گوشم رفت و آن درد وحشتناک به سراغم آمد. حالا هر وقت استخر میروم و یا دوش می‌گیرم، احتیاط می‌کنم تا آب داخل گوشم نرود. ولی هر وقت که خبر حمله اوباش حزب‌الله به دختران را میشنوم، وقتی که در همین اروپا دختران خردسال را می‌بینم که ناچار به داشتن حجاب هستند، وقتی که خبر یک قتل ناموسی یا یک سنگسار را میشنوم، وقتی که اخبار فرودستی و تحقیر و توهین سیستماتیک به زنان در جمهوری اسلامی را میشنوم و وقتی که اخبار به‌کنیزی گرفته شدن زنان توسط نیروهای اسلامی را میخوانم، باز گوشم سوت میکشد و آن درد نفرت‌انگیز را با تمام وجودم احساس می‌کنم.

حزب الهی‌ها حتی روزهای قبل از انقلاب برای تحمیل حجاب به زنان تلاش می‌کردند. از اولین روزهای به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی دشمنی حکومت با زنان آشکار شد و حملات به زنان شدت یافت. توحش مزدوران این حکومت را در برگزاری مراسم اولین ۸ مارس بعد از انقلاب از نزدیک دیده بودم. "یا توسری یا روسری" فقط یک شعار باقی‌نماند بلکه خود را بصورت اسید پاشی، چسباندن روسری با پونز به سر زنان و با انواع توهین‌ها همراه بود. برای من به سر کردن حجاب قابل تحمل نبود و تا آنجا که می‌توانستم در برابر

فشارهایی که روز بروز به من و سایر زنان وارد میشد، مقاومت می‌کردم و حاضر به زندانی کردن خود در لباس اسلامی نبودم. از همین رو دلیل حمله آن اوباش را به خودم و دوستانم میدانستم. آخوندها و رهبران جمهوری اسلامی همه جا مرا بعنوان یک زن منبع شر معرفی می‌کردند و بعنوان یک زن و بخصوص بعنوان یک زن بی‌حجاب من دشمن نظام اسلامی هستم. اگر از خود اختیار پیدا کنم می‌توانم دمار از روزگار این حکومت درآورم، آشکار بودن موی من می‌تواند بنیان‌های حکومت اسلامی بیرون آمده از عصر حجر را به خطر بیندازد. اگر کسی دیگری بجز مالک من صورت و یا بدن مرا ببیند و یا لمس کند، انواع بلایای آسمانی نازل میشود و قوانین اسلامی از اعتبار می‌افتد. دست اندرکاران حکومت اسلامی می‌دانند اگر جنبش آزادیخواهی زنان، این نیروی اجتماعی عظیم، به حرکت درآید حکومتشان را در هم خواهد کوبید.

در آن روز بخوبی فهمیدم که حمله مزدوران رژیم به یک دختر ۱۹ ساله ضعیف‌الجثه بخاطر شجاعشان نیست، بلکه بخاطر هراسی است که از من و امثال من دارند. و این به من شجاعت داد تا برای حق خود بر تن و زندگی خودم در مقابل جمهوری اسلامی و تمام تفکرات عقب‌افتاده‌ای که زن را

زنده باد

۸ مارس!



نه به آپارتاید جنسی و حجاب اسلامی نه به جمهوری اسلامی

تنها چیزی که فکر نمی‌کنند و به راحتی آنرا مورد مصالحه قرار می‌دهند، برابری زن و مرد است. و فهمیدم که حتی در پیشرفته‌ترین نظام‌های سرمایه‌داری حقوق زنان به راحتی برای کسب سود و درآمد بیشتر زیر پا گذاشته میشود. مبارزه با آزادی زن به سوسیالیسم گره خورده است.

در آستانه ۸ مارس فرصت مناسبی است تا اعلام کنم که تشخیص جمهوری اسلامی درست است. ما زنان دشمن سرسخت این رژیم و هر قانون و سنت ارتجاعی و مردسالارانه هستیم. و همچنین فرصت مناسبی است تا ۸ مارس را به همه زنان و انسانهای آزادیخواه تبریک بگویم و به هم‌زمان خودم در مبارزه علیه قوانین و سنت‌های ضد زن فراخوان همبستگی و مبارزه قاطع تر بدهم.

یک شیء قابل تملک میدانم مبارزه کنم. و با غرور اعلام کنم که اجازه نمیدهم قوانین و سنن ارتجاعی و عقب‌افتاده بر زندگی و سرنوشت من حکومت کند.

در طول زندگی خود و بویژه با پیوستن به حزب کمونیست کارگری فهمیدم که در مبارزه خودم برای بدست آوردن حق برابری و آزادی کامل در جامعه تنها نیستم و اکثریت مردم جهان در قلبهایشان و با عملشان با من هستند. همچنین فهمیدم که این تنها کمونیسم و حزب آن است که می‌تواند خواسته‌ها و آرزوی دیرینه من و تمام زنان جهان را عملی کند. فهمیدم که وعده‌های ناچیز اسلامیون تازه متمدن شده نظیر شیرین‌عبادی، باری از دوش زنان برنمیدارد بلکه بیشتر آنان را گرفتار قوانین ارتجاعی اسلامی می‌کند. فهمیدم که ناسیونالیستها و قوم پرستان، به



نامه سرگشاده به زنان هیئت دیپلماتیک-تجاری سوئد که به ایران سفر کردند مشروعیت بخشیدن به حکومت زن ستیز اسلامی، شرم آور است!

ما زنان امضا کننده این نامه می خواهیم بدینوسیله اعتراض شدید خود را نسبت به حجاب به سر کردن شما اعضای زن هیئت دیپلماتیک-تجاری سوئد در جریان سفر به ایران به تاریخ ۱۱ و ۱۲ فوریه ۲۰۱۷ اعلام داریم. اگر چه چنین سفرهایی بطور کلی از سوی ما و بسیار دیگری بدلیل سرکوب شدید آزادیهای سیاسی و مدنی در ایران و نقش مخربی که در بقای دیکتاتوری اسلامی در ایران دارد نیز به شدت محکوم است.

بسیاری به درست تمکین شما به حجاب اجباری را شرم آور نام نهاده اند. این اقدام شرم آور است چرا که برغم ادعاهای دولت سوئد مبنی بر دفاع از حقوق برابر زنان با مردان شما بخاطر انجام معاملات تجاری با ایران به ارزش بنیادین برابری زن و مرد، با حجاب بر سر کردن عملاً پشت کردید. لابد خودتان هم متوجه شدید که با این حجاب اسلامی، عملاً باید پشت سر مردان حرکت کنید، سرتان را پایین بیندازید و در مباحثات هم صدایتان را بلند نکنید، چرا که با حجاب اسلامی، موقعیت درجه دوم زن گوشزد میشود و شما اینرا پذیرفتید.

این اقدام شرم آور است چرا که در حالیکه حجاب سمبل و بیرق یک جنبش و حکومت‌های و باندهای تروریستی و ضد زن اسلامی است، شما با تمکین به آن در این مورد نیز آشکارا و به نحو زننده‌ای در کنار این حکومتها و این جنبش زن ستیز و ضد انسانی اسلامی قرار گرفتید.

از نظر ما دلایلی در دفاع از این اقدام شرم آور مطرح می شود که همچون عنز بلتر از گناه است. می گوئید که حجاب اجباری در ایران قانون است و شما ملزم به رعایت آن بوده اید! سؤال ما از شما این است آیا هیئت همراه شما با قانون سنگسار زنان در ایران بدلیل رابطه جنسی خارج از ازدواج نیز همراهی میکند؟ آیا شما و هیئت شما حاضر است در اعدام کودکان و یا

همجنسگرایان در ایران همراه حکومت اسلامی ایران باشد؟ آیا نمی بینید که سالهای سال است که میلیون ها زن در ایران علیرغم سرکوب هرروزه و اسید پاشی به صورتشان و دستگیری و تحقیر و جریمه و خطر از دست دادن شغل هایشان، شجاعانه قانون تحمیل حجاب به زنان و بسیاری از قوانین غیر انسانی را زیر پا می گذارند؟ چگونه است که زنان جسور ایران می توانند این قوانین را زیر پا بگذارند اما شما که با این خطرات هم رویر نیستید بسیار داوطلبانه این تحقیر را پذیرفتید؟ این اقدام در عمل همراهی با حکومت اسلامی در سرکوب بیشتر اعتراضات زنان ایران علیه حکومت آپارتاید جنسیتی است.

سؤال دیگر ما این است که اگر رعایت قوانین ضد انسانی یک کشور از نظر شما الزامی است آیا حاضر بودید قانون یک دولت یهودی ستیز مبنی بر عدم پذیرش عضو یهودی در هیئت دیپلماتیک شما را بپذیرید؟ آیا حاضر بودید قوانین رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی را بپذیرید و اعضای سیاه پوست هیئت دیپلماتیک خود را بر روی نیمکت جداگانه ای بدور از سفیدپوستان بنشانید؟ و آیا مردم آفریقای جنوبی و بشریتی که در کنار آنها بود این اقدام را شدیداً محکوم نمی کردند؟

از نظر ما مسئله روشن است. جمهوری اسلامی شباهت زیادی به رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی دارد. با این تفاوت که این رژیم بر یک آپارتاید جنسی استوار است. نیمی از جامعه ایران یعنی زنان با یک ایدئولوژی تماماً ضد زن از پایه ای ترین حقوق انسانی خود محروم شده اند. حجاب اجباری سمبل این بی حقوقی و نشانه موقعیت فرودست زنان ایران است.

شما می توانستید در سفر به ایران با کنار گذاشتن حجاب اسلامی اجباری به آن معدود زنان دیپلماتی پیوندید که تاکنون به این

اجبار اعتراض کرده اند. شما می توانستید صدای اعتراض دادم ما زنان علیه این حجاب بر سر کردن های سیاستمداران زن را بشنوید و در کنار این حرکت بایستید، شما می توانستید با مخالفت با حجاب پیامی به زنان رزمنده در ایران بدهید، و نه اینکه در کنار جنایتکارانی بایستید و به آنها مشروعیت دهید که با قتل و جنایت و انسان کشی نه فقط در ایران بلکه در کشتار و آشوب در منطقه، سر پا مانده اند... نه فقط این کارها را نکردید بلکه با منتسب کردن منتقدین به اقدام شما به "خارجی ستیران" (آن لنینی وزیر تجارت و امور اتحادیه اروپا - روزنامه آفتون بلاد) و نمایش توهین آمیز مقایسه کلاه با حجاب اجباری از سوی وزیر دارایی و چند وزیر دیگر به این اعتراضات بر حق جواب دادید. (البته وزیر دارایی پس از انتقادات زیاد بعداً از بابت این رفتار ناشایست خود معذرت خواهی کرد).

ما از طرف میلیون ها زن و میلیون ها انسان آزاده ای که زیر تیغ حکومت اسلامی و اسید پاشی و تحقیر و سرکوب هرروزه علیه حجاب اجباری ایستاده و جانانه مقاومت میکنند، تن دادن زنان هیئت همراه شما به حجاب اجباری را شدیداً تقبیح می کنیم.

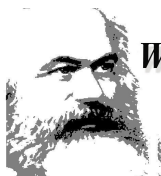
این اقدام شما به عنوان لکه ننگی بر پیشانی شما و دولت سوئد برای همیشه خواهد ماند. اگر حاضر به حمایت از این زنان و محکومیت قوانین ضد زن و ضد انسانی حکومت اسلامی نیستید لاقلاً مانع مبارزه زنان در ایران نشوید.

امضاها:

فریده آرمان از ایران ساکن سوئد
مستول فدراسیون حق زن در سوئد،
پروین کابلی از ایران. تشکل میخک
سفیدفعال حقوق زنان / سوئد، شیوا
محبوبی، فعال حقوق زنان سخنگوی
کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان
سیاسی، مینا احدی از ایران مستول

کمیته بین المللی علیه سنگسار و نهاد اکس مسلم / آلمان، کیمیا پازوکی از ایران مسئول اجرائی آموزش و پرورش / سوئد، فرشته مرادی از ایران فعال حقوق زنان / هلند، سیما بهاری از ایران فعال حقوق زنان / سوئد، مریم افراسیپور از ایران کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان / سوئد، سوسن صابری، از ایران مسئول بخش زنان فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی / سوئد، شیرین شمس از ایران مسئول انقلاب زنانه / سوئد، افسانه وحدت از ایران فعال حقوق کودکان / سوئد، مهین علیپور از ایران فعال حقوق زنان / سوئد، سارا نخعی از ایران مسئول فدراسیون پناهندگان ایرانی / سوئد، اندیشه علیشاهی از ایران فعال حقوق پناهندگی / سوئد، صبری امیرحسینی از ایران فعال حقوق زنان / سوئد، تهمینه صادقی از ایران فعال حقوق زنان / کانادا، ماریا رشیدی از ایران فعال حقوق زنان / سوئد، گابی حسینی از ایران فعال حقوق زنان سوئد، جنی آنتونوس ونهایمر مسئول فمَن سوئد، عزیزه لطف الهی از ایران فعال حقوق زنان / فنلاند، جمیله میراکی از ایران فعال حقوق زنان / آلمان، فخری جواهری از ایران فعال حقوق زنان / کانادا، نازنین برومند از ایران فعال حقوق زنان / آلمان، شهلا خباززاده از ایران فعال حقوق زنان / آلمان، نسرين الماسی از ایران روزنامه نگار / کانادا، ملکه عزتی از ایران / فعال حقوق زن / سوئد، فریده رضایی / از ایران / جمعیت زنان مبارز ایرانی برای آزادی / سوئد، چیم داری / از ایران فعال زنان / سوئد، ثریا فتاحی / از ایران / جمعیت زنان مبارز ایرانی برای آزادی / سوئد، نازیلا آزادی از ایران

فعال حقوق زنان / سوئد، آرام بیات هنرمند ایرانی ساکن کانادا، ویوه کا هاس از سوئد، الهه قهرمان رضا علی نیا، لیلا شعبانی از ایران فعال حقوق زنان / آلمان، سرور کاردار، ماهرخ فیروزه، خلیل کیوان، ستار نوریزاد، مهسا ممتحنی، مریم کمالی، مینو میرانی از ایران فعال حقوق زنان / سوئد، آوات فرخی از ایران فعال حقوق زنان / سوئد، ژیلا میراکی، بابک عینی پور، مهسا فعال زاده، سعید کلهر، سهیلا شهبازنژاد صابر رحیمی، آرام بیات هنرمند سرشناس از ایران / کانادا، جمال محمدی، جنی آ ونهامر مسئول فمَن در سوئد، عثمان رحمانی، عزت دارابی، سهیلا روحانی فعال حقوق زنان / سوئد، مهین کابلی فعال حقوق زنان / اطریش، شهرزاد ارشدی، مژده امجدی، سارا سرو، داوید آرام، نینا کریبی، لیلا ارغوانی از ایران. فعال سیاسی سوئد، کیومرث کابلی از ایران / فعال سیاسی، آلمان، هیئت نودینیان. از ایران فعال سیاسی سوئد عالیله فرج احمد از عراق فعال سیاسی. سوئد، لاوژده فرج محمدی از عراق فعال برابری زنان از دانمارک شیدا ارغوانی. از ایران. فعال زنان سوئد، آوات صادقی از ایران فعال سیاسی سوئد، ناهید وفایی. از ایران نویسنده و فعال سیاسی. سوئد، رادیو پیام کانادا، رحیم یزدان پرست فعال سیاسی / سوئد، فیروزه غفاری مخالف تبعیض و خشونت علیه زنان از ایران / کانادا، رعنا احمد از عربستان سعودی فعال حقوق زنان / آلمان، ورود زهیر از عراق فعال حقوق زنان / آلمان، میترا میرزازاده کنشگر حقوق مدنی / کانادا



WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiiran.org



عروج گرایش نئوفاشیستی و درهم شکسته شدن تابوی سوسیالیسم در جامعه آمریکا مصاحبه با علی جوادی

تلاشی در این چهارچوب است. این وجه مشترک سیاست هیات های حاکمه تاکنونی آمریکا است. اما این گرایش بر متن ناکامی و شکست سیاست گلوبالیستی و عنان گسیخته تحریک سرمایه در سطح جهان به جلو آمده است و در یک بزنگاه سیاسی توانسته است قدرت سیاسی را در بزرگترین کشور سرمایه داری جهان غرب به تصرف در آورد. استراتژیستهای این گرایش، مستقل از دلک بازیهای شخصی مانند ترامپ، در صد پیشبرد پروژه مشخص و کم و بیش روشنی هستند.

کنار زدن سیاست گلوبالیستی سرمایه، تاکید بر سرمایه خودی و اشتغال و تولید در داخل آمریکا، خرید محصولات تولید شده در آمریکا یک رکن محوری سیاست این هیات حاکمه است. این گرایشی تماما فاشیستی و نژاد پرستانه است. بدنبال تحکیم و شکل دادن به "هویت" آمریکایی اند. هویت مذهبی، هویت نژادی از محورهای چنین سیاستی است. این گرایش به دنبال تغییر و تجدید تعریف متحدين آمریکا در دوران معاصر است. نزدیکی به روسیه و تقابل سیاسی و تجاری با چین، تجدید تعریف مناسبات آمریکا و اتحادیه اروپا، از عناصر اصلی چنین سیاستی است. استراتژیستهایشان رسماً اعلام کرده اند که شاهد جنگی در خاورمیانه و آسیای جنوبی خواهند بود. تحکیم موقعیت نظامی آمریکا و افزایش بودجه نظامی آمریکا اقدامی در چنین چهارچوب است.

تعرض به مهاجری و ممنوعیت ورود شهروندان هفت کشور خاورمیانه ای اقدامی نژادپرستان

است، تحکیم موقعیت آمریکا در سطح جهان. تضمین ابرقدرتی و موقعیت ممتاز آمریکا در سطح جهان. دارند مختصات دوران جهان پس از پایان جنگ سرد و خوابیدن گرد و خاکهای دوران پسا سقوط بلوک شرق را ترسیم میکنند. دارند جنگ سرد دیگری را طراحی و در دستور قرار میدهند. دارند به سیمای جهان و تخصصات آتی شکل میدهند.

این مجموعه سیاست عملاً بیانگر عروج یک گرایش نئوفاشیستی در آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی است. به همان میزان گرایشات کلاسیک فاشیستی کثیف و ضد انسانی و خطرناک است. آیا جامعه در مقابل این توحش و سیاستهای فاشیستی ساکت خواهد نشست؟ بهیچوجه! تجمعات و اعتراضاتی که در این مدت کوتاه سازمان داده شد، در نوع خود در آمریکا بی نظیر بوده است. حمایت توده مردم آزادیخواه و برابری طلب در آمریکا از مهاجرین لاتین فاقد مدارک قانونی در آمریکا نشانه ای از انسانیت و همبستگی انسانی در جامعه بشری است. تقابل این مردم با سیاست ارتجاعی منع ورود شهروندان هفت کشور ذکر شده به آمریکا گوشه دیگری از تحریک این اردوی آزادیخواهی و برابری طلبی است.

انترناسیونال: اهداف و سیاستهای عمومی ترامپ چیست؟ به دنبال ایجاد چه تغییراتی در آمریکا و جهان هستند؟

علی جوادی: هدف اعلام شده این گرایش و جنبش ارتجاعی تحکیم موقعیت ممتاز و ابر قدرتی آمریکا در سطح جهان است. سیاست make America great again، یا بازسازی عظمت آمریکا،

بودجه نظامی به میزان ده درصد و کم کردن بودجه خدمات عمومی به همان میزان بوده ایم. علاوه بر این مورد، چه اقدامات دیگری را می توانید ذکر کنید. واکنش جامعه آمریکا نسبت به این تصمیم ها چه بوده است؟

علی جوادی: تقویت بودجه نظامی بزرگترین ماشین قلدی و آدمکشی در جهان معاصر تنها بخشی و یک رکن پروژه این جناح در بازسازی و بازتعریف مختصات هیات حاکمه آمریکا است. این اقدام گوشه ای از یک نقشه عمل بزرگتر و جامع تر است. تعرض به رسانه ها، تغییر مناسبات و توافقات سیاسی و نظامی با کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی، ناتو، کنار زدن سیاستهای گلوبالیستی سرمایه در سطح جهان و روی آوری به سیاستهای پروتشنیستی و محافظه کارانه، نزدیکی با روسیه، گسترش تقابل تجاری با غول اقتصادی چین، تشدید مخاصمات و درگیری نظامی با حکومت اسلامی، تعرض به مهاجرین در آمریکا که از کانال تعرض به مهاجرین مکزیکی فاقد مدارک قانونی میگذرد، بخشهای دیگری از سیاست این هیات حاکمه است. این مجموعه سیاست بیانگر یک برش و گسست همه جانبه از سیاستهای تاکنونی هیات حاکمه آمریکا است. سیاستهایی که مستقل از اینکه کدام حزب طبقه حاکمه در راس قدرت سیاسی قرار داشته است، از دوران ریگان به بعد، علی الاصول مورد توافق جملگی این نیروها قرار داشته است. این نیرویی است که قصد دارد یک تغییر اصولی در سیاستهای تاکنونی هیات حاکمه آمریکا ایجاد کند. هدف کماکان یکی

جامعه آمریکا دستور منع صدور ویزا برای شهروندان هفت کشور را صادر کرده اند. فرمان حکومتی ای که حتی توسط دادگاههای متفاوت آمریکا خلاف قوانین موجود در آمریکا تشخیص داده شد. اما کمی دقت در این چهارچوب ضروری است. هیات حاکمه کنونی آمریکا با این اقدام خود عملاً دست به مجازات قربانیان حکومتها و جریانات اسلامی در این جوامع زده است. مردمی که خود هر روزه در زیر دست و پای جریانات اسلامی و حکومتهای اسلامی خرد و له میشوند. مردمی که هر روزه مبارزه ای جانانه علیه حکومت و دار و دستجات اسلامی را شکل میدهند. اکنون خود این مردم مورد تعرض جریانات فوق ارتجاعی در آمریکا قرار گرفته اند. آیا انتظار دیگری هم میشد از این جریانات داشت؟ جرم این مردم تولد و پا گذاشتن به جامعه بشری در جغرافیایی است که جریانات اسلامی سرنوشت شان را در چنگال خود به اسارت گرفته اند. جرم این مردم این است که خود قربانیان جریانات و حکومت اسلامی اند. بعلاوه این مردم بطور دسته جمعی به خاطر جرمی که مرتکب نشده اند، مورد تعرض قرار گرفته اند. این سیاستی تماماً ارتجاعی و ضد انسانی است. سیاستی مبتنی بر مجازات "قبیله ای" است. سیاستی متعلق به دوران جهالت بشریت و نه عصر روشنگری و حقوق جهانشمول انسانها و انقلابات رهاییبخش است. این مردم به جرم اقدامی که نکرده اند، دارند مجازات میشوند. این قصاص قبل از جنایت است.

انترناسیونال: در همین دوره کوتاه ما شاهد ارائه طرح افزایش

انترناسیونال: نزدیک به چهل روز از روی کار آمدن دانالد ترامپ بعنوان رئیس جمهور آمریکا میگذرد. تصمیمات او و واکنش ها نسبت به این تصمیمات یک موضوع اصلی رسانه ها در این مدت بوده است. از جمله این تصمیمات دستور منع صدور ویزا برای متولدين چند کشور از جمله ایران به آمریکا، است. در عین حال ادعا میکنند که این اقدامی جهت حفظ امنیت مردم در آمریکا است. پاسخ شما چیست؟

علی جوادی: یک مشت ادعاهای پوچ و بی پایه. یک مشت اراجیف. تلاشی کودنانه برای فریب و تحمیق جامعه. این مجموعه بیان واقعی تری برای سیاستها و ادعاهایشان در این چهارچوب است. ادعاهایشان مبنی بر تامین امنیت و مصون داشتن جامعه آمریکا از تروریسم اسلامی، تماماً یک دروغ بزرگ است. برعکس، چنین اقداماتی حتی بنا به ادعای خود مبلغین و سیاستمداران کهنه کار تر محافظه کار ترین جریان طبقه حاکمه آمریکا عملاً بمثابة برگی در دست تروریسم اسلامی برای توجیه اقدامات جنایتکارانه شان است. همانطور که هر اقدام میلیتاریستی و قلدنمنشانه این جریانات در غرب عملاً زمینه ساز و توجیه کننده سیاستها و اقدامات جنایتکارانه تروریسم اسلامی است. اینها دو روی یک سکه جنایت و تروریسم و میلیتاریسم اند. امنیت و آسایش مردم در آمریکا و در گوشه و کنار دنیا در درجه اول و اساساً در گرو خلاصی از جامعه بشری از شر این نیروها است. خلاصی از شر اسلام سیاسی و میلیتاریسم و قلدی و زورگویی هر دو.

مییگویند، برای تامین امنیت

سه اتفاق مهم در یک روز

شهلا دانشفر

باز هم خبر تجمع چند هزار نفره مقابل مجلس اسلامی

از ساعت ده صبح روز ده اسفند بیش از ۵ هزار نفر از بازنشستگان نیروهای مسلح؛ فرهنگیان، وهیئت علمی وزارت علوم و پرستاران و پیراپزشکان در مقابل مجلس اسلامی جمع شدند و اعتراض خود را علیه حقوقهای زیر خط فقر و تبعیض و نابرابری اعلام کرده و خواهان یکسان سازی حقوقها شدند. بازنشستگان از شهرهای تهران، کرج، استانهای اصفهان، مازندران، گیلان، کردستان، آذربایجان شرقی، ایلام، خراسان و مشهد بودند. در کنار آنان حدود ۳۰۰ نفر از بازرسان و کارشناسان وزارت صنعت و معدن نیز با خواست استخدام و بازگشت به کار و مالباختگان شانددیز تجمع داشتند. این تجمع با شعار اتحاد، اتحاد و با شعارهای واحدی چون دزدیها کم بشه مشکل ما حل میشه؛ حقوق بازنشسته اصلاح باید گردد؛ به اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه؛ نوبت ما که می شه خزانه خالی می شه؛ معیشت منزلت سلامت حق مسلم ماست؛ خط فقر چهار میلیون، حقوق ما یک میلیون؛ بیمه کار آمد، حق مسلم ماست؛ تا حتما نگیریم ازیا نمی نشینیم؛ باز نشسته به پاخیز برای رفع تبعیض؛ این همه بی عدالتی هرگز ننیده ملتی؛ ما منتظر نتیجه هستیم، هیچ جا نمیریم همین جا هستیم و ما همه با هم هستیم صحنه پرشوری از اتحاد و همبستگی را بوجود آوردند.

یک صحنه جالب از این تجمع اعتراضی هو کردن قاضی پور نماینده مجلس از ارومیه در هنگامی بود که میخواست خطاب به تجمع کنندگان سخن بگوید. گفتنی است که در هنگام تجمع نیروی انتظامی در محل مستقر بود و ساعت دو عصر اعلام شد که تجمع کنندگان باید متفرق شوند. که باز هم با هو کردن جمعیت روبرو شد. سرانجام در ساعت حدود سه بعد از ظهر احمدی لاشکی و علی عنانلی

در جمع تجمع کنندگان مقابل مجلس حاضر شدند و توضیحاتی مبنی بر افزایش حقوق تا مرز دو میلیون تومان برای آنان که زیر یک میلیون تومان می گیرند و نیز اضافه حقوق پلکانی معلمان بازنشسته در سال ۹۶ را دادند. حرفهای آنها در واقع تکرار حرفهای قبلی نویخت بود و پاسخی به معلمان بازنشسته نبود. از همین رو معلمان بازنشسته بر ادامه اعتراضاتشان تاکید کردند. یک اقدام جالب در تجمع چند هزار نفره مقابل مجلس پخش شکلات در میان جمعیت به نشانه اعلام همبستگی از خواستهای اعتراضی یکدیگر بود.

تجمع روز ده اسفند بطور واقعی ادامه اتفاقی است که در سوم اسفند در مقابل مجلس اسلامی روی داد. در آن روز نیز جمعی چند هزار نفره از معلمان بازنشسته، کارگران، پرستاران در مقابل مجلس شکل گرفت که شعارهایشان، شعار های همین روز و تاکید شان بر داشتن یک زندگی انسانی بود. تجمعات اعتراضی کارگری در روزهای سوم و چهارم اسفند، بطور واقعی انعکاسی از اعتراض ۹۹ درصدی های جامعه علیه فقر و فلاکت و سیاست های ریاضت اقتصادی حکومت، علیه تبعیض و نابرابری و دزدی های میلیاردی حکومتیان و حقوقهای نجومی شان و برای داشتن یک زندگی انسانی بود.

تجمع و راهپیمایی کارگران شرکت واحد مقابل شهرداری، ۱۰ اسفند ۹۵

روز ده اسفند بنا بر قرار قبلی کارگران سندیکای واحد با خواست تسهیلات مسکن برای کارگران، در مقابل شهرداری واقع در خیابان بهشت تجمع کردند. در بخشی از بیانیه کارگران به مناسبت تجمع روز ده اسفند ماه چنین آمده است: "علیرغم اینکه کارگران شرکت واحد مراجعات مکرری برای بهره مندی از تسهیلات مسکن به شهرداری و شورای شهر داشته اند. مدیر عامل شرکت واحد، شهردار تهران و نمایندگان شورای شهر اقدام موثری

چند بار زیر خط فقر و بی مسکنی، بخش عظیمی از مردم کل جامعه را به خشم در آورده است. بویژه مسکن بخش عظیم درآمد خانواده ها را می بلعد و بسیاری از مردم ناتوان از تامین سریناهی برای خود به حاشیه شهرها رانده شده اند. از جمله آخرین آمارهای دولتی از وجود ۱۱ میلیون حاشیه نشین در تهران و کسانیکه خانه و مسکن خود را از دست داده اند گزارش میدهند.

دولت در قبال ایجاد تسهیلات برای تامین مسکن شایسته انسان برای مردم مسئول است. کارگران شرکت واحد در تهران با شعارهایی چون مسکن مناسبت حق مسلم ماست؛ ملک نجومی تو، ما را بی مسکن کرده، بطور واقعی فریاد اعتراض همه مردم بوده و کل این نظام فاسد و پوسیده سرمایه داری حاکم را به چالش کشیدند. از خواست و اعتراضات کارگران شرکت واحد وسیعا حمایت کنیم.

بطور واقعی بیش از ده درصد از حقوق هر کس بیشتر نباید صرف مسکن شود. و امروز نه تنها باید دستمزدها در قدم اول به بالای نرخ سبد هزینه خانوار کارگری یعنی بالای رقم ۴ میلیون افزایش یابد، بلکه باید کسری هزینه تامین یک مسکن مناسب به کارگران پرداخت شود. و در کنار همه اینها درمان رایگان و تحصیل رایگان در تمام سطوح تحصیلی حق همگان است. اینها خواستهای فوری کل جامعه و شرط بقای زندگی مردم است. خواست مردم معیشت، منزلت، و یک زندگی انسانی و پراز رفاه و پایان دادن به کل این بردگی و توحش است.

هجدهمین روز اعتراض کارگران گروه ملی فولاد اهواز به استانداری کشیده شد:

صبح روز ۱۰ اسفند حدود ۶۰۰ کارگر گروه ملی فولاد اهواز به نمایندگی از ۴ هزار کارگر شاغل در این کارخانه در هجدهمین روز اعتراضشان برای پیگیری معوقات مزدی و نامشخص بودن وضعیت کارخانه و خطر بیکار شدن از کارشان، در مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند. در تجمع این روز کارگران گروه ملی تعدادی از

برای بهره مندی نزدیک به شش هزار کارگر شرکت واحد از تسهیلات مسکن انجام نداده اند. بنابراین کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی به همراه خانواده هایشان ساعت ده صبح روز دهم اسفند با اتحاد بیش از پیش به شهرداری تهران واقع در ضلع جنوبی پارک شهر خیابان بهشت مراجعه خواهند کرد". در ادامه این اعتراضات بود که تجمع روز دهم اسفند کارگران شرکت واحد بر پا شد. شعارهای کارگران واحد در این روز بر سر حق مسکن نه فقط شعار های ۶ هزار کارگر شاغل در واحد اتوبوسرانی، بلکه فریاد اعتراض کل جامعه بود. از جمله شعارهای کارگران در این روز عبارت بودند از: یک اختلاس حل بشه، مشکل ما حل میشه؛ شهردار بالانشین، مشکل ما را ببین؛ کارگران بیدارند، از حق کشی بیزارند؛ ملک نجومی تو، ما را بی مسکن کرده.

در این تجمع اعتراضی نیروی انتظامی حضور یافت و تلاش کرد از خروج رانندگان معترض از پارک شهر جلوگیری کند اما کارگران به تجمع و اعتراضشان ادامه داده و اعلام کردند که در صورت عدم تحقق خواسته هایشان، در نیمه دوم فروردین ماه سال آینده اعتراضات و تجمعات خود را از سر خواهند گرفت.

بی مسکنی یک درد اجتماعی است. در حالیکه دستمزدها چند بار زیر خط فقر است، بخش عظیمی از آن را هزینه مسکن می بلعد. از جمله بنا بر سخنان رئیس اتحادیه مشاوران املاک استان تهران: در طول بیش از دو دهه از سالهای ۷۰ تا ۹۰ قیمت مسکن با هزار درصد افزایش یافته است. نتیجه اینکه هر روز بر شمار کارتن خوابان اضافه میشود و این موضوع آنچه ان ابعاد فاجعه باری پیدا کرده است که صحبت از گورخوابان است. همچنین هر روز بر آمار کسانیکه سرپناه خود را از دست داده و به حاشیه نشینی کشیده میشوند، اضافه میشود. حقوقهای نجومی، دستمزدهای

خانواده هایشان شرکت داشتند. کارگران شعار میدادند: استاندارد بیا بیرون! مدیر بی لیاقت استعفا استعفا

نکنه قابل توجه اینکه با به میدان آمدن، خانواده ها روز ۱۱ اسفند بعد ۱۹ روز اعتراض سه ماه از طلب کارگران پرداخت و آنها موقتا به اعتراضشان پایان دادند. بدین ترتیب این کارگران در حال حاضر غیر از یک ماه معوقات مزدی مربوط به بهمن ماه، بابت بخشی از حق بیمه و سنوات سالهای گذشته از کارفرما طلبکارند و اعلام کرده اند که اگر مابقی طلبها و عیدی و پاداش سال جاری به آنان پرداخت نشود، اعتراضاتشان را از سر خواهند گرفت.

این کارگران ۴ تا ۵ مطالبات مزدی پرداخت نشده دارند و در عین حال پرداخت مطالبات سنواری هر کدام از آنها بالغ بر ۶ تا ۷ میلیون تومان است که چندین سال است که به تاخیر افتاده است. سرنوشت پرداخت دستمزد اسفند و عیدی پایان سالشان نیز روشن نیست.

کارخانه گروه صنعتی ملی اهواز از شرکتهای احداث شده توسط گروه سرمایه گذاری امیر منصورآریا در اهواز است که بعد از مصادره شرکتهای متهم اصلی پرونده این واحد، ایمنی شغلی کارگران به خطر افتاده است و با معضل تعویق پرداخت دستمزدها روبرو شده اند. هم اکنون برای پرداخت دستمزد کارگران خود با مشکلاتی روبرو است. در روز ۹ اسفند جدا از کارخانه فعالیت بخش های مختلف مجموعه بزرگ ورزشی گروه ملی فولاد اهواز که به باشگاه استقلال صنعتی شهرت دارد متوقف شده بود. اعتراضات کارگران گروه ملی اهواز ادامه دارد. حضور وسیعتر خانواده ها خصوصا در فضای پراز اعتراض خوزستان نقش مهمی در تقویت این اعتراض و جلب حمایت مردم دارد.

در گرامیداشت یک هشت مارس متفاوت

از صفحه ۲

دانشورهای عکسی با محوریت بانوان و مادران کار که با اشتغال خود به اقتصاد خانواده کمک میکنند و در مواردی نان آور خانه هستند، بر پا میشود و خواسته شده است که کسانی که تمایل به شرکت در این جشنواره را دارند، عکسی بفرستند و در صورت توان ضمن اهدای شاخه گلی زیبا این عکس را بگیرند و ارسال کنند.

همین فراخوان، تصویری از ابعاد اجتماعی تر هشت مارس امسال بدست میدهد که فعالین آن با چنین ابتکارات جالبی دارند به استقبالش میروند. نگاهی به این اتفاقات و کارزارهای مبارزاتی علیه تبعیض علیه زن، تصویر روشنی از موقعیت قدرتمند امروز جنبش برای آزادی زن و علیه آپارتاید جنسی و قوانین اسلامی به دست میدهد. با اتکا به این موقعیت و قدرت کارزارهای مبارزاتی مان به استقبال هشت مارس، روز جهانی زن برویم.

هشت مارس نه به ترامپیسیم، نه به اسلام سیاسی، نه به آپارتاید جنسی

ستم کشی زن، و ابعاد وحشتناکش در جهان سرمایه داری امروز و بویژه در جاهایی چون ایران تحت حاکمیت آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی، بیش از پیش نمایانگر اوج توحش و بربریت این سیستم سرپا تبعیض و نابرابری است.

مارش زنان علیه ترامپیسیم در آمریکا و غرب و اعتراضات هر روزه زنان در ایران و دیگر کشورهای اسلام زده علیه آپارتاید جنسی و در برابر اسلام سیاسی بیانگر همین واقعیت است و بطور واقعی مضمون و جوهر اصلی هشت مارس امسال را بیان میکند. این اتفاقات نشان میدهد که چگونه امروز جنبش جهانی زن با به چالش کشیدن ترامپیسیم و اسلام سیاسی این مظاهر اوج انحطاط سرمایه داری امروز، دارد کل نظم موجود را به چالش می کشد. و این یک جنبش نوین آزادی زن است، جنبشی که چپ، رادیکال و انسانی است و زنان در صف مقدمش قرار

عروج گرایش نئوفاشیستی و ...

از صفحه ۶

سایه سنگین سوسیالیسم اردوگاه شوروی هموار کرده است.

این رو در رویی ابعاد جدید و گسترده تری بخود خواهد گرفت. این مبارزه ای در عین حال جهانی است. پیشرفت این مبارزه نیازمند عروج نیروی رادیکال، آزادیخواه و برابری طلب در صف تقابل با هیات حاکمه است. درغیر این صورت اعتراضات مردم معترض در بارگاه جناح های دیگر هیات حاکمه قربانی خواهد شد. نتیجتاً این گرایش رادیکال باید هر چه سریعتر خود را از قید و بندهایی که جناحهای هیات حاکمه و توهما و محدودیتهایی که این گرایش بر دست و پای اعتراضات جامعه می بندند، خلاص کند.

جامعه امروز بشری، علیرغم مرزهای کاذب و تصنعی، جامعه ای درهم تنیده است. اعتراض در هر گوشه ای از جهان، مسلماً بدون تاثیر در سایر بخشهای جامعه بشری نخواهد بود. همانطور که انقلاب جنسی در آمریکا مهر خود را بر تحولات بشری کوبید. همانطور که جنبش ضد جنگ مهر خود را جنبش ضد جنگ کوبید. در عین حال پیشروی بشریت مترقی و آزادیخواه در هر گوشه ای از جهان مهر خود را به تحولات در آمریکا خواهد کوبید.

در این چهارچوب است. به قول خودشان به دنبال نوعی اعمال سیاست "پاکسازی" نژادی در جامعه آمریکا هستند.

تقابل با رسانه های بستر رسمی آمریکا و اعلام جنگ ارتجاعی با این جریانات، گوشه دیگر این سیاستها است.

هر درجه پیشبرد این سیاستها، مخاطرات جدی و تعیین کننده ای در مقابل جامعه بشری قرار میدهد.

انترناسیونال: بنظر شما

مبارزات مردم و نیروهای مترقی با ترامپ و تصمیمات او چه تغییر و تحولی در جامعه آمریکا و حتی در سایر کشورها می تواند ایجاد کند؟

علی جوادی: جامعه آمریکا در این مدت به شدت قطبی شده است. چپ و راست جامعه در ابعاد گوناگون در مقابل هم در حال صف آرایی کرده اند. این صف آرایی دارد هر چه بیشتر به سمت تقابل بالایی ها و پایینی ها سوق پیدا میکند. یک محصول چنین شرایطی در هم شکسته شدن تابوی سوسیالیسم در جامعه آمریکا است. خارج شدن بلوک شرق، سوسیالیسم کاذب از صحنه سیاست جهانی، عملاً راه برای پیشروی سوسیالیسم طبقه کارگر و سوسیالیسم رها شده از

کارزارهای مبارزاتی در عرصه های مختلف نبرد علیه تفکیک جنسیتی گرد آمده و هر روز این نیرو وسیعتر و ابعاد اجتماعی تری بخود میگیرد. با اتکا به این نیرو به تدارک این روز بشتاییم. بخش زیادی از این نیروها در مدیای اجتماعی جمعند. فعالانه در این جمع ها و گروههای مبارزاتی شرکت کنیم و گفتوهای رادیکال و انسانی خود را به میان کسانی که در آنها جمع هستند، ببریم و حرکتی شکل دهیم. در دانشگاهها و در محلات و در هر جایی که میتوانیم با ابتکارات مختلف هشت مارس را گرامی بداریم. از جمله جشنواره هشت مارس برپاکنیم. سمینار و کنفرانس برگزار کنیم. جلسات بحث و گفتگو بگذاریم و یک هشت مارس پر تحرک و وسیع را برپا کنیم. هشت مارس روز همه مردم است، باید گفتمان های این روز در گروههای مبارزاتی چند هزار نفره معلمان، بازنشستگان و بخش های مختلف جاری باشد و این روز را سراسری جشن بگیریم. انتظار می رود امسال نیز مثل هر سال کارگران، معلمان، بازنشستگان و بخش های مختلف جامعه با بیانیه هایشان هشت مارس را به عنوان روز جهانی زن، روز آزادی و برابری گرامی بدارند. هشت مارس امسال را با ویژگی های امروز جشن بگیریم.

زنده باد هشت مارس، روز جهانی زن

دیگر نمی پذیریم!

۸ مارس روز اعلام رهایی قطعی زنان از تبعیض و بردگی جنسی است

**زنده باد
۸ مارس
روز جهانی زن!**

زن و مرد با هم برابرنند! در خانه، در خانواده، در آشپزخانه، در جامعه، در حقوق، در پوشش، در سفر، در نگهداری از کودکان، در سکس، و در همه جای جهان! دیگر نمی پذیریم که افکار و سنتهای پوسیده و منفور تاریخ قبایل را بعنوان قانون و حقوق و شئون امروز به ما تحمیل کنند. ما می شوریم! ما انقلاب می کنیم! ما خرافه و جهل و سنتهای

مذهبی ضد زن را تماماً به زباله دان میریزیم! آن نیروها و مغزهای کپک زده ای که نمیتوانند زن را چون انسان ببینند باید فکری بحال خود بکنند. ما زنان، ما انسانهای آزاده، ما مردم دیگر یک ذره تبعیض و تحقیر را نمی پذیریم! جامعه ای برابر و انسانی حق ماست و آنرا با دستهای خویش برپا می داریم!

مخمسه حكومت اسلامى بر سر تعيين ميران حداقل دستمزدها

شهلا دانشفر

سرانجام کمیته مزد جمهوری اسلامی بعد از سبک سنگین کردن های فراوان، بر سر میزان نرخ سبید هزینه کارگران به اجماع رسید. علی خدایی که مسئول کارگروه مزد تشکلی های دولت ساخته شوراهای اسلامی است و تحت عنوان "بخش کارگری" عضو ستاد ویژه مزد جمهوری اسلامی است، با اعلام این خبر، متذکر شد که حداقل ارزش این سبید در حال حاضر رقمی بالغ بر ۲ میلیون و چهارصد و ۸۹ هزار تومان است که بر مبنای گزارشهای رسمی بانک مرکزی، مرکز آمار و معاونت تغذیه وزارت بهداشت محاسبه شده است. او همچنین از پایان کار ستاد ویژه مزد دولت و شروع کار شورایی کار خیر داد و بعد هم علی ربیعی وزیر کار دولت روحانی طی حکمی حسن هفده تن را به عنوان مسئول اجرایی جلسات شورایی کار جهت تعیین حداقل مزد سال ۹۶ تعیین کرد. بنا بر گزارشات دولتی نرخ اعلام شده سبید هزینه کارگران با اتفاق آرای هر سه جانب ستاد ویژه مزدشان یعنی نمایندگان دولت، کارفرمایان و تشکلهای دست ساز حکومتی در جلسه روز ۹ اسفند تعیین شده است. بدین ترتیب در ادامه همان بازی مسخره سه جانبه گری همیشگی که بطور واقعی هر سه جانب آن، نمایندگان سرمایه داری حاکم هستند و در پشت درهای بسته ستاد ویژه شان، توافقات بر سر ارزان سازی نیروی کار صورت گرفته است و قرار است شورایی کار ضربه آخر را بزند و بازهم دستمزدهای چند باز زیر خط فقر را اعلام کند.

روشن است که اعلام همین مبلغ دو میلیون و چهارصد هزار به عنوان نرخ سبید هزینه خانوار کارگری نیز زیر فشار جنبش اعتراضی جاری بر سر خواست افزایش دستمزدها که جنبشی گسترده و اجتماعی است، انجام گرفته است. ضمن اینکه قرار نیست نرخ حداقل دستمزدها برابر با این رقم باشد. بلکه قرار است این مبلغ در محاسباتشان "لحاظ"

شود. از جمله حمید حاج اسماعیلی یکی از کارشناسان "حوزه کار" جمهوری اسلامی قبلا با بیان اینکه شاخص خط فقر می تواند در چانه زنی برای ارتقای حداقل دستمزد کارگران موثر باشد، تاکید کرده بود که نمیتوانند خط فقر را ملاک میزان حداقل دستمزدها قرار دهند، بلکه میتوانند تلاش کنند که فاصله حداقل دستمزد را با این شاخص کمتر کنند. و معنی این گفته چیزی جز تحمیل دستمزدهای باز هم چند بار زیر خط فقر به کارگران نیست. در همین رابطه احسان سهرابی عضو هیئت مدیره قانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور نیز بر لحاظ شدن نرخ سبید هزینه در تعیین حداقل دستمزدها تاکید کرده بود. این سخنان به روشنی از توطئه پشت پرده هر ساله ای که در شورایی عالی کار و توسط دست اندرکاران حکومتی علیه کارگران و در رابطه با تعیین میزان حداقل دستمزدها صورت میگیرد، پرده میدارد. این جانبان هر ساله در سیرک مسخره ستاد ویژه مزد و بند و بساط شورایی کارشان جنجال و بحث به راه می اندازند. نرخ خط فقر، خط بقا، سبید هزینه و نرخ تورم و صد نرخ دیگر را تعیین میکنند، و بعد هم به گفته خود با "لحاظ" کردن همه اینها، دستمزد چند بار زیر خط فقر را برای معاش و زندگی کارگر و کل جامعه رقم میزنند. این داستان سی و چند سال حاکمیت رژیم اسلامی است و کارگران به کل این بساط استثمار و بردگی اعتراض دارند. اعتراض کارگران به کل این بساط استثمار و بردگی است.

دستمزد کارگران و اظهارات مقامات حکومتی

اعتراضات گسترده کارگری، فضای پر تب و تاب اعتراض در جامعه و وجود جنبشی اجتماعی بر سرخواست افزایش دستمزدها، که به طور واقعی اعتراض به کل این بساط فقر و بردگی است و از برابری سخن میگوید، حکومت اسلامی را در محصنه بنی برای تعیین میزان حداقل دستمزد سراسری کارگران

قرار داده است. از یکسو تلاششان اجرای سیاست ارزان سازی نیروی کار است و از سوی دیگر برابر موج گسترده اعتراضی کارگران و کل جامعه مانده اند.

از جمله تجمعات هزاران نفره کارگری در مقابل مجلس در همین اسفند ماه، تجمعاتی که در آن شاهد صف متحلی از کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان با شعارهای واحدی چون یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه، یک خواست فوری ما، افزایش دستمزد است، نوبت ما که میشه، خزانه خالی میشه، زندگی، معیشت، منزلت، حق مسلم ما و نیز اعتراضات گسترده در محیط های کارگری و کشیده شدن بسیاری از این اعتراضات به خیابان ها و نقش چشمگیر تر خانواده ها و همه اتفاقات شورانگیزی است که حکومت اسلامی را به شدت به هراس انداخته است. ضمن اینکه این اوضاع و احوال و نیز نزدیکتر شدن مضحکه انتخاباتشان نزاعهای درون حکومت را شدت داده است. اظهارات مقامات حکومتی بر سر میزان حداقل دستمزدها، ضد و نقیض گویی ها و هشدارهایشان یک نمونه بارز از این هراس و آشفتگی است. بطور مثال هنوز ساعتی از تعیین نرخ سبید هزینه خانوار نگذشته، بازار گرمی ها به راه افتاده و بحث های داغی بر سر این موضوع در میان خود حکومتیان و از جمله ستاد مزدشان به راه افتاده است.

نمونه ای از این اظهارات سخنان فرامرز توفیقی عضو دیگری از جامعه به اصطلاح "کارگری" در کار گروه ستاد مزد است. در حالیکه قبلا ارقام دولتی از سبید هزینه بالای ۴ میلیون تومان سخن گفته است، او با وقاحت تمام از تلاش "گروه کارگری" که منظور نمایندگان همین تشکلی های دست ساز حکومتی است، برای تعیین سبید هزینه ای قابل دفاع که در آن حرف و حدیثی نباشد و ایشان بتواند با آمار و ارقام از ادله ارائه شده آن دفاع کند، سخن میگوید. بیشرمی هم حتی دارد.



در مورد دستمزد کارگران اعتقاد دارم که حداقل مزدی که تا کنون تعیین شده، بسیار پایین است و این دستمزد در کلان شهرها، هزینه ایاب و ذهاب کارگران هم نمی شود. بایستی دستمزد با واقعیت های معیشتی کارگران سازگار باشد و من به عنوان رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس معتقدم هزینه ماهانه یک خانوار متوسط شهری کمتر از ۴ میلیون تومان نیست و این هزینه باید در تعیین دستمزد در نظر گرفته شود."

اظهار نظر دیگر، گزارش مشرق از سخنان پرویز فتح رئیس کمیته امداد در برنامه تیترا امشب است. در این سخنان پرویز فتح با اشاره به رویرو بودن حکومت با وسعت فقر، اعلام داشت که در حال حاضر با ۸۱۲ هزار تومان حداقل مزد، یازده میلیون نفر زیر خط فقر هستند که اگر حداقل دستمزدها یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان هم تعیین شود، باز شمار کسانی که زیر خط فقر هستند، بیشتر خواهد شد.

کارگران چه میگویند؟

کارگران با بیانیه هایشان و با تجمعات اعتراضی شان و شعار سبید هزینه ۴ میلیون، حقوق ما یک میلیون در برابر تعرض شورایی کار حکومت اسلامی به سطح زندگی و معیشتشان ایستاده اند و ملتهاست که جنبشی اجتماعی بر سرخواست افزایش دستمزدها جاریست. کارگران بر تعیین حداقل دستمزدها از بالای سرشان اعتراض دارند. کارگران به زندگی زیر خط فقر اعتراض دارند و رفاه می خواهند. کارگران به حقوقهای نجومی مقامات و دستمزدهای زیر خط فقر

صفحه ۹

نکته جالب دیگر اینکه که فرامرز توفیقی به رسم همیشگی این تشکلی های دست حکومتی، به عنوان عضوی از ستاد مزد دولت، پشت درهای بسته با نمایندگان کارفرما و دولت توافق کرده و بر سر تعرض به سطح معیشت میلیونها کارگر و خانواده هایشان به اجماع رسیده است و حالا بعد از پایان کار در پز "جامعه کارگری" بازار گرمی کرده و میگوید: "با همه این اوصاف، سبید معاش، بسیار حداقلی بسته شده و با واقعیت های عینی معیشت تطابق صددرصدی ندارد؛ برای نمونه ارقام بسیاری حذف شده و حداقل قیمت های بازار در نظر گرفته شده." خودشان قبلا اعلام کرده اند، که با توجه به آخرین نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی در آذر ماه سال جاری به میزان ۶.۸ درصد، میزان حداقل دستمزدها ده درصد هم افزایش خواهد داشت و میزان آن نهایتا از ۸۱۲ هزار تومان، به ۸۸۲ هزار تومان و یا فرضا ۸۹۳ هزار تومان خواهد رسید. اظهارات فرامرز توفیقی و سخن گفتن از حذف بسیاری ارقام از سبید هزینه خانوار کارگری، آنهم در شرایطی که بخش عظیمی از دستمزد کارگر صرف هزینه مسکن میشود و خبری از درمان رایگان، و تحصیل رایگان و بیمه های اجتماعی دیگر نیست، به روشنی از ابعاد جنایتکارانه تصمیم مشتی سرمایه دار و مفتخور بر سر معیشت کارگران و کل جامعه سخن میگوید.

نمونه ای دیگر از اظهارات مقامات حکومتی سخنان سلمان خدادادی (رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس) در روز دهم اسفند در پاسخ به خبرنگار ایلنا است که میگوید:

شهرداری تهران دو کارتن خواب را در اقدامی جنایتکارانه به قتل رساند!

خانواده های کارگران فولاد اهواز به تجمع پیوستند

حقوق کارگران پرداخت شد!

کشور حاکم است، چنان به حکومت فشار میاورد که مجبور میشوند فکری به حال خواست های کارگران بکنند. این تجربه را باید همه جا در سراسر کشور بعنوان تجربه ای مهم بکار گرفت. کارگران باید بیشتر و بیشتر جامعه را با خود همراه کنند و کلید قضیه پیوستن خانواده های کارگری و بردن اعتراض به وسط شهرها است.

همینجا به کارگران پل اکریل اصفهان و کارگران صدفا مرکز دیگر که با مشکلات مشابهی دست و پنجه نرم میکنند توصیه میکنیم با حضور خانواده هایتان در مجمع عمومی درمورد اشکال موثرتر اعتراض بحث و تصمیم گیری کنید، کلیه خانواده هایتان را تشویق کنید فعالانه در تجمعات و راهپیمایی ها شرکت کنند و بدینطریق همبستگی مردم شهر را به خواست های بحق خود جلب کنید. مطمئن باشید که با این اقدامات مفتخوران را تسلیم خواست های خود خواهید کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ اسفند ۱۳۹۵، ۲ مارس ۲۰۱۷

کارگران گروه صنعتی ملی فولاد اهواز ۱۹ روز پی در پی دست به اعتصاب زدند و همزمان در محوطه کارخانه یا در مقابل استانداری تجمع کردند. کارفرما در تمام این مدت مدعی بود که منابع مالی برای پرداخت حقوق معوقه کارگران ندارد. روز ۱۱ اسفند تعدادی از همسران کارگران و حتی تعدادی از کودکان آنها در تجمع مقابل استانداری شرکت کردند و با شعارهای استاندارد بیا بیرون و ملیر بی لیاقت استعفا، اعتراض کارگران شدت بیشتری گرفت و بلافاصله کارفرما کوتاه آمد و سه ماه حقوق ۴۰۰۰ کارگر فولاد را پرداخت کرد.

هنوز یک ماه حقوق و بخشی از مطالبات مزدی کارگران فولاد پرداخت نشده و کارگران باید آمادگی خود را برای تداوم فشار به کارفرما و دولت برای پرداخت فوری بقیه مطالبات خود حفظ کنند.

تجربه کارگران فولاد و قبل از آن هپکو و روغن نباتی زنجان بار دیگر بر این نکته مهم تاکید گذاشت که در مقابل مفتخوران باید با قدرت بیشتر به میدان بیاییم. شرکت خانواده های کارگری در تجمعات و راهپیمایی در مرکز شهر، مشابه اقدامی که کارگران هپکو و روغن نباتی زنجان و خانواده هایشان انجام دادند، در جو اعتراضی بالایی که در

تهران علیه کارتن خواب ها باید از جانب هر انسان آزاده ای محکوم شود. باید سیل اعتراض از جانب کارگران و معلمان، دانشجویان و نویسندگان، و از جانب کلیه نهادها و تشکل های مردمی، علیه این جنایت و آمران و عاملان آن سرازیر شود. نباید این وحشیگری علیه انسانهایی که نظام فاسد اسلامی آنها را از هست و نیست ساقط کرده است بی پاسخ بماند. قالیباف ها و سایر مقامات حکومت پرورنده خود را هرروز سنگین تر میکنند. دور نیست روزی که مردم حساب همه این جنایتکاران را کف دستشان بگذارند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۹ اسفند ۱۳۹۵، ۲۷ فوریه ۲۰۱۷

از صدوده هزار فرهنگی تحویل نمایندگان مجلس اسلامی داده شد. و اسماعیل عبدی دبیر کانون صنفی معلمان از درون زندان، حمایت وسیعش را از آن اعلام کرد. مهم است که همه کارگران، پرستاران، معلمان شاغل و بازنشسته به این کارزار بپیوندند. کارزارهای اجتماعی دیگر چون کارزار پایان کارتن خوابی، کارزار در دفاع از کودکان کار و خیابان، و غیره، اجزای تکمیل کننده جنبش برای خواست افزایش دستمزدهاست. اما مهم است که همه این کارزارها از این خواست کارگر که میگوید خط فقر را قبول نمیکنم و در قدم اول خواستار افزایش دستمزدها به بالای سبد هزینه ۴ میلیون تومان است، دفاع کنند و خود را نیروی این جنبش بدانند. آخرین نکته اینجاست که چرا خط فقر، ما رفاه میخواهیم. ما به کل این بساط استثمار و بردگی و اینهمه تبعیض و نابرابری اعتراض داریم. در چنین قامتی به جلو بیاییم و به کل این توحش و بربریت پایان دهیم.

تهران علیه کارتن خواب ها باید از جانب هر انسان آزاده ای محکوم شود. باید سیل اعتراض از جانب کارگران و معلمان، دانشجویان و نویسندگان، و از جانب کلیه نهادها و تشکل های مردمی، علیه این جنایت و آمران و عاملان آن سرازیر شود. نباید این وحشیگری علیه انسانهایی که نظام فاسد اسلامی آنها را از هست و نیست ساقط کرده است بی پاسخ بماند. قالیباف ها و سایر مقامات حکومت پرورنده خود را هرروز سنگین تر میکنند. دور نیست روزی که مردم حساب همه این جنایتکاران را کف دستشان بگذارند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۹ اسفند ۱۳۹۵، ۲۷ فوریه ۲۰۱۷

موجود را به چالش میکشد و در آن همسرنوشتی بخش های وسیعی از جامعه را میشود دید و ظرفیت آن را دارد که بخش عظیمی از جامعه را در بر بگیرد. باید بگوئیم که تمام نیرویمان را با ابتکارات مختلف به میدان آوریم. طومارهای اعتراضی به راه بیندازیم. گروه های مبارزاتی ما به راه بیندازیم. به کارزارهای موجود که در این زمینه فعالاند بپیوندیم. از جمله سندیکای شرکت واحد طوماری بر سر خواست افزایش دستمزدها به راه انداخته است. همچنین سندیکای نیشکر هفت تپه بر افزایش دستمزدها در قدم اول تا سطح ۴ میلیون تومان تاکید کرده است. اتحادیه آزاد کارگران ایران نیز در حرکتی اعتراضی در هفته گذشته در مقابل مجلس با شعار سبد هزینه ۴ میلیون، حقوق ما ۸۱۲ هزار تومان اعتراض خود را اعلام کرده اند. نمونه دیگر از این اعتراضات کارزار هزاران نفره معلمان برای تامین بودجه برای افزایش حقوق تمام معلمان و بازنشستگان به بالای سه میلیون تومان است. در همین هفته طومار اعتراضی این کارزار با بیش

روز یکشنبه ۸ اسفند شهرداری تهران دست به جنایت دیگری زد و خودروهای آن در اقدامی هولناک با عبور از روی کارتن خوابها در خیابان مولوی تهران دو نفر از آنان را کشته و تعدادی را مجروح کردند. این گوشه کوچکی از اقدامات وحشیانه شهرداری تهران است که روزی نیست دست به جنایتی علیه محروم ترین مردم نزنند. یک روز مامورانش با شوکر و پنجه بوکس و مشت و لگد و چوب و سیلی در تهران و اهواز و بندرعباس و فومن و ... به جان دستفروشان می افتند و آنها را مورد هتک حرمت قرار میدهند، یک روز خانه های حاشیه نشینان را بر سر ساکنانش خراب میکنند و یک روز اینچنین بیرحمانه به جان کارتن خواب ها می افتند.

مقامات تبهکار اسلامی در شهرداری و سایر ارگانهای حکومتی

مخمسه حکومت اسلامی ...

از صفحه ۸

خود اعتراض دارند. کارگران با شعار هایی چون يك اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه، ملک نجومی تو، ما را بی مسکن کرده، کل این بساط تبعیض و نابرابری را به چالش میکشند.

جنبش بر سر خواست افزایش دستمزدها و در کنار آن برخورداری از بیمه های اجتماعی چون درمان رایگان و تحصیل رایگان برای همه مردم و تسهیلات لازم برای تامین مسکن، جنبشی است که هر روز قویتر به جلو می آید. کارگران، معلمان، بازنشستگان، پرستاران و بخش عظیمی از حقوق بگیران جامعه و میلیونها خانواده کارگری نیروی واقعی این جنبش هستند. در شرایطی که فقر بیداد میکند، بی تاملی بیداد میکند، این جنبش که اساسا جنبشی علیه فقر و بی تاملی کل جامعه و برای داشتن يك زندگی بهتر است، يك عرصه مهم مبارزات مردم است. این جنبشی است اجتماعی که مستقیما کل نظم



این فقط یک نمونه است:

بودجه "خدمات حوزه علمیه و نهادهای ویژه فرهنگی"!

۱۰ برابر بودجه آتش نشانی تهران!

محمد شکوهی

در خبرها آمده بود که مجلس در جریان رسیدگی به لایحه بودجه سال ۹۶ حکومت مبلغ بیش از ۶۰۰۰ هزار میلیارد تومان برای "خدمات حوزه علمیه و نهادهای ویژه فرهنگی" را تصویب کرده است. در کنار این خبر در زیر تیتراهای مصوبات مجلس، مبلغ ۶۱۹ میلیارد تومان بودجه و تامین اعتبار برای آتش نشانی تهران در مجلس و بعداً در شورای شهر تهران تصویب شده است!

این فقط یک رقم از اختصاص بودجه هزاران میلیاردی به نهادها و موسسات مذهبی مفت خور و انگلی که کارشان گسترش و تبلیغ جهل و خرافه مذهبی مورد نظر حکومت می باشد، است. دهها مورد دیگر اختصاص بودجه های میلیاردی به این باندها در جریان است.

"خدمات حوزه علمیه" راهمه مردم می شناسند. هزاران آخوند مفت خور با دهها انتشاراتی، کانون های جهل و خرافه که زیر مجموعه این باندها می باشند، کار و وظیفه اصلی شان دفاع از حکومت و بیت رهبری و... می باشد. پول و هزینه دهها هزار آخوند را که حوزه علمیه به مدارس کشور روانه می کند؛ از اینجا می دهند. صدها دارالقرآن و مدارس تربیت مداح، دفاتر رسمی صیغه زن و شرکت های تابعه اش که زیر نظر آخوندهای کله گنده وابسته به بیت رهبری را از اینجا می پردازند. اعزاز دانش آموزش در طرح های: "راهیان نور" به جبهه های جنگ سابق شان و برنامه های متعددی که راه می اندازند، از اینجا می دهند. ودهها و صدها هزینه زائد برای دم و دستگاه مفتخوران و قاتلان دولت

اسلامی سرمایه داران.

در این میان نکته جالب بحث و تصمیم گیری در باره جزئیات و نحوه و چند و چون اختصاص بودجه به این نهادها و زیر مجموعه هایشان می باشد. کمیسیون تلفیق بودجه که مرکب از باندهای مجلسی و دولتی ها می باشد در جزئیات به این موضوع پرداخت و به اعتراف خودشان ساعتها بحث در این باره کرده و این تصمیمات "مهم" را گرفته اند. تقسیم بودجه بین باندها و دار و دسته های حکومتی.

در همین روزها که باندهای مجلسی و دولتی سرگرم بررسی لایحه بودجه سال ۹۶ حکومت می باشند موضوع تصویب بودجه آتش نشانی تهران از محل بودجه استان تهران می باشد که ابتدا در مجلس و بعداً در شورای شهر تهران تصویب شده است؛ می باشد. کل این بودجه مبلغ ۶۱۹ میلیارد تومان است. تازه بخشی از آن در قالب "اعتبارات" می باشد. در اینجا همه باندها بحث زیادی نداشته اند و زودتر به توافقی رسیده اند.

این بودجه یکی از حساسترین و مهمترین نهاد ها و ارگانی است که کارش در مواقع وقوع حوادث و خطراتی که هر لحظه می تواند جان و زندگی مردم را تهدید بکند، می باشد. زندگی جمعیت بیش از ۱۰ میلیونی تهران در مواقع بروز حوادث و بحران برای این حکومت ارزش و اعتباری ندارد. و طبیعتاً در قلموس اینها هم نیازی به آمادگی برای مقابله با این خطرات نیست. میلیونها نفر با این همه ناامنی و خطراتی که هر روزه در بیخ گوششان می گذرد، و هر لحظه ممکن است آغاز گر یک فاجعه ای بزرگ باشد، برای

حکومت دزدان و قاتلان اهمیتی ندارد. در فاجعه پلاسکو دیدیم که آتش نشانی و حکومت چگونه آماده بودند و چگونه کمبود تجهیزات و نبودن استانداردها و عدم واکنش به موقع شهرداری و آتش نشانی بیش از بیست نفر را به کشتن دادند و بی شرمانه کوتاهی و بی تفاوتی شان را توجیه کردند. امنیت آرامش و تامین حداقل های یک زندگی امن و کم خطر برای شهروندان هیچ موقع امر این حکومت نبوده است. برای اختصاص بودجه سر این موضوع حساس و حیاتی همه باندهای حکومتی قبلاً به توافق رسیده اند و نیازی به بحث و داشتن طرح و نقشه و راههای مقابله با بحرانهای احتمالی و افزایش بودجه این نهاد ندارند. با این بودجه آتش نشانی به اعتراف برخی مقامات شهرداری و آتش نشانی، حتی قادر به تامین و تضمین ادامه کاری تجهیزات فرسوده موجود آتش نشانی نخواهد بود چه رسد به نوسازی و تهیه تجهیزات و امکانات استاندارد.

تازه این وضعیت تهران است مرکز قدرت حکومت است. دهها پلاسکو در تهران وجود دارد که

هر آن می توانند فاجعه ای بزرگتر از پلاسکو را برای مردم رقم بزنند. اینها مشکل حکومت نیست و برایش بودجه کافی اختصاص نمی دهد. وضعیت در آتش نشانی های در صدها شهرکشور به مراتب خرابتر از تهران می باشد. تامین امنیت و فراهم آوردن حداقل امکانات و تجهیزات برای آتش نشانی در مواقع بروز بحران و حوادث نظیر صدها مورد و موضوع مهم و گریبانگیر مردم؛ فکر و ذکر این حکومت نبوده و نیست. حکومت و دولت روحانی و بیت رهبری "اولویتهای دیگری" دارند. اختصاص بودجه هزاران میلیاردی به حوزه علمیه و نهاد های فرهنگی وابسته به باندهای رنگارنگ حکومت و بیت رهبری؛ یک سیاست همیشگی حکومت و دولت بوده است.

در کنار این نمونه افزایش ۲۱ درصدی بودجه نظامی، افزایش هزار میلیاردی بودجه قوه قضائیه، بودجه ۷ هزار میلیاردی برای شرکت های دولتی، بودجه ۲۲ هزار میلیاردی برای بسیج و سپاه، بودجه ۷۷۷۲ میلیاردی ستاد مشترک ارتش، و دهها مورد دیگر بودجه های



هزاران میلیاردی می باشد که حکومت به دم و دستگاه نظامی و سرکوش اختصاص داده است. حکومت دزدان و آدمکشان اسلامی سرمایه سرکیسه را برای امورات حکومت شل کرده است. مردم سهمی در این بودجه بندی ندارند. حکومت فقط به فکر حفظ خودش و تامین هزینه های سرسام آورش دم و دستگاه عریض و طویل سرکوب وزندان می باشد. برای پایان دادن به این وضعیت و رهایی از شر حکومت قاچاقچیان، دزدان و قاتلان مردم، چاره ای جز مبارزه و به زیر کشیدن تمام بساط این حکومت نیست.

۱۱ اسفند ۱۳۹۵، اول مارس ۲۰۱۷

دستور جلسه کنگره دهم حزب

ب: دستور پیشنهادی

- ۱- گزارش رئیس هیات اجرایی
- ۲- بحث حول گزارشها
- ۳- بحث و تصمیم گیری در مورد قفطعنامه ها و قرارهای پیشنهادی
- ۴- انتخابات کمیته مرکزی
- ۵- اختتامیه

الف: پیش از دستور

- خوشامدگویی
- سرود انترناسیونال، سکوت به احترام جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم
- سخنرانی افتتاحیه (دبیر کمیته مرکزی)
- تصویب اعتبارنامه نمایندگان
- تصویب آئین نامه و دستور کنگره
- تعیین هیات رئیسه
- پیام مهمانان کنگره
- قرأت پیامهای کتبی

قرارها و قطعنامه های پیشنهادی به کنگره دهم حزب کمونیست کارگری

قطعنامه در مورد

عروج راست افراطی در غرب

۱- سر بلند کردن راست افراطی در غرب (انتخاب ترامپ، برگسیت، نفوذ احزاب راسیستی در برخی کشورهای اروپایی) يك پیامد بحران و بی افقی بورژوازی جهانی و مشخصا بی اعتباری سیستم حکومتی بورژوازی در غرب است. در شرایطی که فریدمنیسم و نئولیبرالیسم به بن بست رسیده و کینزینیسم و دولت رفاه نیز مدت‌هاست دوره اش سپری شده راست ترین و ارتجاعی ترین احزاب و چهره های بورژوازی فرصتی برای ابراز وجود پیدا کرده اند. عروج راست افراطی نشانه بن بست و ورشکستگی نظری دکترینهای بورژوازی و رسوائی و بی اعتباری سیاسی احزاب سنتی و متعارف طبقه حاکمه و کل سیستم حکومتی موجود در نزد توده مردم جوامع غربی است.

۲- با عروج راست افراطی آخرین ادعاهای حقوق بشری، داعیه دفاع از دموکراسی و مدنیت، و حتی تز جوامع موزائیکی و "تحمل دیگر فرهنگها" رسماً از جانب بخشی از الیت فکری و سیاسی و مقامات حکومتی بورژوازی کنار گذاشته میشود و گفتن برتری خود و فرهنگ و نژاد و کشور خود در صفوف طبقه حاکمه گسترش می یابد. ورشکستگی لیبرالیسم به پست مدرنیسم و نئولیبرالیسم منجر شد و اکنون با بن بست و ورشکستگی نئولیبرالیسم، نئو فاشیسم بجلو رانده میشود. این آغاز دوره و پارادایم تازه ای در کمپ بورژوازی در غرب و به اعتبار آن در کل جهان سرمایه داری است: دوره مطرح شدن و نیرو گرفتن راسیسم عربیان و ناسیونال شوینیسم. در گفتمان و سیستم عقیدتی بورژوازی غرب یکبار دیگر اروسنتریسم و دکترین برتری نژاد سفید و انگلوساکسون بر بقیه جهان جایگاه برجسته ای پیدا میکند.

۳- از نظر فکری - عقیدتی راسیسم نوپا در امتداد پست مدرنیسم و به شکل ادامه منطقی آن مطرح

میشود. پست مدرنیسم با عقب نشینی از جوامع ملنی و مدنیت و جانشین کردن آن با جوامع موزائیکی مرکب از مذاهب و اقوام مختلف زمینه و فضای فکری را برای راست افراطی و نژادپرستی نوع ترامپ مهیا کرد. راسیسم و پست مدرنیسم در انکار ارزشهای جهانشمول انسانی هم نظر اند. تنها تفاوت در این است که یکی خواهان تحمل و گفتگوی تمدنها و دیگری خواهان جنگ تمدنها است. راسیسم پست مدرنیسمی است که تحمل اش به سر رسیده است.

۴- از نظر خط و جهت گیری سیاسی راست افراطی در قبال مسائل اجتماعی و سیاسی گرایش و مواضع فوق ارتجاعی ای را نمایندگی میکند. برتری طلبی ملی و نژادی، زن ستیزی، ضدیت با مهاجرین و کلا با خارجی ها، ضدیت با محیط زیست، ضدیت با همجنسگراها و غیره از ارکان هویتی و ارکان سیاسی راست افراطی است. این مواضع و سیاستها تماماً در برابر گرایشات و خواستها و آمال انسانی توده نود و نه درصدی مردم و حتی در مقابل سطح تمدن موجود در غرب قرار میگیرد.

۵- از نظر سیستم حکومتی راست افراطی در تلاش برقراری نوعی فاشیسم و دیکتاتوری عربیان يك درصدیها است. دامن زدن به رعب و ترس و ناامنی در جامعه، تبلیغات و ادعاهای سراپا دروغ نوع گویلیزی، تعرض به رسانه ها و مطبوعات، عقب راندن و محدود کردن آزادیهای مدنی، تفرقه افکنی نژادی- مذهبی در جامعه و تهییج و بسیج پوپولیستی توده مردم بر مبنای تعصبات ملی و نژادی و مذهبی، از ارکان این دیکتاتوری است. دولت ترامپ نمونه گویائی از این سیستم حکومتی را بلست داده است.

۶- اسلام سیاسی که در اواخر دوره جنگ سرد بعنوان نیروی مقابله با "خطر" کمونیسم و کمپ شوروی، و سپس بعنوان محور شر و هدف

قرار در حمایت از زندانیان سیاسی و خانواده های آنها

زندانیان سیاسی و خواسته هایشان حمایت میکنند. کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران ضمن ادامه حمایت از زندانیان سیاسی و خانواده هایشان بر اهمیت مبارزه متشکل برای آزادی زندانیان سیاسی به خصوص در شرایط کنونی ایران تاکید میکند و تمام تلاش خود را جهت تقویت و پیشبرد هر چه بیشتر این مبارزه و ایجاد کانالهای همبستگی جهانی در حمایت از آزادی زندانیان سیاسی به کار

میکند. کنگره دهم حزب کمونیست کارگری مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را يك رکن مهم جنبش های اعتراضی در ایران میداند، مبارزات شجاعانه زندانیان سیاسی و خانواده های آنان را صمیمانه ارج مینهد، بر اهمیت مبارزه متشکل برای آزادی زندانیان سیاسی به خصوص در شرایط کنونی ایران تاکید میکند و از حزب میخواهد که مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را با تمام قوا و با استفاده از کلیه امکاناتش تقویت کند.

پیشنهاد دهندگان: شیوا محبوبی، سرور کاردار

از ابتدای حاکمیت رژیم اسلامی در ایران دستگیری و شکنجه و اعدام مردم آزادیخواه بخش جدایی ناپذیر دستگاه حاکم بوده است. نزدیک به چهار دهه سرکوب و شکنجه و زندان، نتوانسته است صدای آزادیخواهی و تلاش و مبارزه برای يك دنیای بهتر را خاموش کند و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی به بخش مهمی از جنبش برای سرنگونی جمهوری اسلامی تبدیل شده است. ما هر روزه شاهد تهدید و اذیت و آزار، زندان و شکنجه و صدور حبسهای طویل المدت برای فعالین کارگری، فعالین مدافع حقوق کودک، حقوق زن و سایر فعالین سیاسی و اجتماعی هستیم. خانواده های این زندانیان مداوماً از سوی رژیم مورد تهدید و اهانت و بعضاً دستگیری قرار میگیرند. علیرغم فشارهای رژیم، زندانیان سیاسی و خانواده هایشان جسورانه و با عزمی راسخ در اشکال مختلف در مقابل سیاست های سرکوبگرانه مبارزه کرده اند. شعار آزادی زندانیان سیاسی به یکی از شعارهای اصلی اعتراضات و تجمعات در ایران تبدیل شده است و مردم در ابعاد وسیعتری هر روزه از

قرار در مورد

بیانیه حقوق شهروندان در ایران

در ایران، قدرت و امکانات لازم دولتی را برای اجرای همه مفاد این بیانیه بکار گیرد.

ارائه دهند قرار: جلیل جلیلی امضا کنندگان: اسمائیل مردوخ، شهلا خباززاده، سعید ملانلو

ضمیمه **بیانیه حقوق شهروندان در ایران مقدمه**

آزادی برای همه، آسایش برای همه، رفاه و شادی برای همه و زندگی بهتر برای همه مفاهیمی آشنا و از بدیهیات پذیرفته شده در جوامع بشری معاصر هستند. ولی واقعیت

از آنجا که آشنا کردن مردم با پایه ای ترین حقوق خود راه را برای دستیابی به این حقوق هموارتر میکند، و از آنجا که هم برسمیت شناخته شدن این حقوق از طرف احزاب سیاسی و هم اعلام تعهد این احزاب برای اجرای مفاد بیانیه حقوق شهروندان در صورت بقدرت رسیدن، مردم را در مبارزه شان برای دستیابی به این حقوق متحد تر و قویتر میکند:

حزب کمونیست کارگری ایران بیانیه حقوق شهروندان در ایران را برسمیت می‌شناسد و خود را متعهد میکند که در صورت کسب قدرت سیاسی

قطعنامه پیشنهادی ...

از صفحه ۱۱

نمیدهد، آزا بر مراتب تشدید میکند. برای کارگران و توده کارکن مردم ناسیونالیسم اقتصادی بجز ریاضت اقتصادی شدید تر و فقر و بی تأمینی اقتصادی بیشتر معنائی ندارد.

۱۰- نه از نظر سیاسی و نه از لحاظ اقتصادی راست افراطی آلترناتیو استراتژیک و راه حل عملی ای برای بورژوازی جهانی نیست. بلکه صرفا بازتاب بن بست و بی افقی سرمایه و راه حل "ای است که نهایتا بحران بورژوازی را بر مراتب تشدید خواهد کرد. از نقطه نظر اجتماعی نیز راسیسم و ناسیونال شوینیسم در قرن بیست و یکم، عصر جهانی شدن سرمایه و جهانی شدن مبارزه علیه سلطه سرمایه، عصر مدیای اجتماعی و تبدیل دنیا به یک دهکده جهانی، نمیتواند آلترناتیو کارساز و ماندگاری برای بورژوازی به بن بست رسیده باشد. از نقطه نظر بورژوازی غرب راست افراطی تنها میتواند نقش یک کاتالیزور را ایفا کند. بورژوازی امپدور است دولتهای نوع ترامپ بتوانند برای طبقه حاکمه وقت بخزند و با به قهقرا کشیدن جامعه، باز پس گرفتن دستاوردهای جنبش کارگری و جنبشهای مترقی در دوره های گذشته، و کاهش سطح توقعات و انتظارات مردم راه را برای بازگشت احزاب متعارف تر بورژوازی بقدرت هموار کنند.

۱۱- ریاست جمهوری ترامپ و قدرتگیری احزاب راست افراطی نظیر او در اروپا با موجی از اعتراضات و تلاطمهای اجتماعی روبرو شده است و این موج رو به گسترش است. نود و نه درصدیهای جامعه به تشدید ریاضت کشی اقتصادی، زن ستیزی و نفرت پراکنی راسیستی، و نفی حقوق سیاسی و مدنی و اجتماعی شان تن نمیدهند. این وضعیت زمینه را برای شکلگیری یک جنبش رادیکال چپ و با افق سوسیالیستی در غرب فراهم میکند.

۱۲- شرایط حاضر نقد ریشه ای کاپیتالیسم و انساندوستی و آزادیخواهی و برابری طلبی سوسیالیستی را به یک گفتار رایج در صفوف چپ اجتماعی و توده مردم تبدیل کرده است. اما این

گرایش رادیکال اجتماعی بوسیله چپ متحذب در غرب نمایندگی نمیشود. گرایشات و احزاب سنتی چپ جریاناتی حاشیه ای و کاملاً بی ربط به سیاست و مسائل امروز جامعه و بلور از اعتراضات و جنبش چپ اجتماعی هستند. از سوی دیگر نقد و اعتراض نیروها و شخصیهائی نظیر ساندرز و کورین که توانسته اند در فضای ضد کاپیتالیستی جامعه با ادعای سوسیالیسم و مخالف با یک در صدیها نفوذ و محبوبیت اجتماعی کسب کنند از چهارچوب سیستم سرمایه داری فراتر نمیروند. این نیروها نماینده سوسیالیسم و حتی چپ اجتماعی موجود در این جوامع نیستند بلکه صرفا بازتاب و انعکاسی از حضور و قدرت چپ اجتماعی در صفوف ایت سیاسی در غرب محسوب میشوند.

۱۳- آنچه به تحولات این دوره شکل میدهد و سرنوشت توده مردم دنیا را رقم خواهد زد نه کشاکش در صفوف بورژوازی بین احزاب سنتی با افراطی و یا لیبرالیسم و نشو لیبرالیسم با نتوفاشیسم بلکه مقابله میان دو قطب کار و سرمایه، میان کمپ نود و نه درصدیها و یک درصدیها است. در قطب مقابل راسیسم و ناسیونال شوینیسم، سوسیالیسم قرار دارد. سوسیالیسمی که حزب ما، حزب کمونیسم کارگری نمایندگی میکند. ما در برابر "جنگ تمدنها" ارزشها و تمکن جهان شمول انسانی، در مقابل نقد راسیستی اسلام و مسلمانان نقد انه نیستی و سکولاریستی اسلام، در برابر مهاجر و خارجی ستیزی دفاع از برابری و حقوق مساوی برای همه افراد جامعه، در برابر ناسیونالیسم شوینیستی انترناسیونالیسم، و در برابر کاپیتالیسم بحرانزده سوسیالیسم را قرار میدهم. اینها جبهه های اصلی نبرد طبقاتی در دوره حاضر و محور وظایف کمونیستهای است که در دنیای به منجلا و به قهقرا کشیده شده بورژوازی، برای برابری و آزادی و رهایی سوسیالیستی، برای انسانیت و برای باز گرداندن اختیار به انسان مبارزه میکنند.

ارائه دهند حمید تقوایی
تأیید کنندگان: محمد شکوهی، سیامک بهاری، شهلا خباززاده، غلام اکبری، ایرج فرجاد، مصطفی صابر

قرار در مورد بیانیه ...

از صفحه ۱۱

امروز حکایت از چیز دیگری دارد. از یک طرف امکان متحقق کردن همه این آمل و آرزوهای بشری وجود دارد و از طرف دیگر خیلی از انسانها این آرزوها را برای فرزندان و نسلهای بعد از خود بجا میگذارند. از یک طرف ثروت عظیمی با کار و تلاش انسانها تولید میشود و از طرف دیگر میلیونها انسان از امکان استفاده از ثمره این تلاشها محروم میشوند. در یک طرف اقلیت کوچکی بخش اعظم ثروت تولید شده را در انحصار خود دارند و در طرف دیگر اکثریت عظیم مردم دنیا در فقر، بی مسکنی، بی بهداشتی، نا امنی و جهل و بی حقوقی عذاب میکشند. غاصبان ثروت به سروران و تولید کنندگان ثروت به بردگان مدرن در دنیای وارونه سرمایه داری تبدیل شده اند. این معادله باید بهم بخورد.

بیانیه حقوق شهروندان تلاشی است برای هموار کردن راه نجات میلیونها انسان محروم از آزادی، محروم از شادی و محروم از حرمت لایق انسان و تبدیل آرزوهای این انسانها به واقعیهائی ملموس. این بیانیه هیچ گونه قید و شرطی را که تلاش انسانها برای رسیدن به یک زندگی بهتر را محدود کند، برسمیت نمیشناسد. و نه تنها این، بلکه دست نیروهای مدافع نابرابری و جهالت را در منگنه قرار میدهد.

ضروری است که همه مردم خود را با تمام مفاد این بیانیه آشنا کنند، بند بند آن را حق مسلم خود بدانند و به نیروی اتحاد خود خواهان برسمیت شناسی آن از طرف هر دولتی شوند.

الف: حقوق عمومی
هر فرد ساکن ایران حق دارد:

*- مصونیت جسمی و روحی داشته باشد. (هیچ کس نباید شکنجه شود، هیچ کس نباید اعدام شود)
* از مسکن، معاش و ضروریات زندگی متعارف در جامعه برخوردار باشد. (زندگی متعارف سطحی از زندگی است که تأمین آن، بر اساس محاسبات علمی، برای تمام ساکنین جامعه در آن زمان معین ممکن باشد)

*- از پیشرفته ترین امکانات ممکن بهداشتی و درمانی برخوردار

باشد.

*- محل سکونت خود را آزادانه انتخاب کند.

*- آزادی سفر و نقل مکان داشته باشد.

*- به تمام اطلاعات مربوط به منابع مالی و قدرت تولیدی کشور دسترسی داشته باشد.

*- عقاید و نظرات خود را بطور آزادانه بیان کند.

*- به هر مذهبی باور داشته باشد یا به هیچ مذهبی باور نداشته باشد.

*- از هر مرام، نظر و عقیده ای بطور آزادانه انتقاد کند.

*- به زبان مادری و یا به هر زبان زنده دنیا تحصیل کند.

*- در هر رشته ای و در هر مکانی، طبق تخصص و علاقه خود، کار کند.

*- از امکان تحصیل، تا عالیترین سطح ممکن، برخوردار باشد.

*- از هر گونه تبعیض و محدودیت، از جمله بر اساس جنسیت، نژاد، ملیت، زبان، قومیت، سن، باورهای سیاسی و مذهبی، تمایلات جنسی و نوع پوشش مصون باشد.

*- علیه هر گونه تبعیض اعتراض کند و بر علیه هر کس و هر ارگان تبعیض کننده شکایت کند.

*- در سازمان های صنفی، سیاسی، فرهنگی متشکل شود.

*- از هر گونه دخالت دیگران، از جمله دخالت دولت، در زندگی خصوصی خود مصون باشد.

*- نوع لباس و پوشش خود را خود انتخاب کند.

*- از هر گونه دخالت اشخاص، نهادها و دولت در روابط جنسی خود با هر فرد بالغ دیگر مصون باشد.

*- در ساختارهای سیاسی کشور و انتخابات ارگانهای محلی و سراسری شرکت کند، انتخاب کند و انتخاب شود.

*- هر فرد بالغ مستقلاً و با مشترکا با هر فرد بالغ دیگری که خود صلاح میداند، زندگی کند.

*- از احترام بر خوردار باشد. (ادارات دولتی و سازمانهای خدمات عمومی موظف اند که با مراجعه کنندگان خود با احترام رفتار کنند.

هر گونه توهین و بی حرمتی از طرف ارائه دهندگان خدمات اجتماعی به

مراجعہ کنندگان باید با اقدامات انضباطی سازمان مربوطه روبرو

شود.)

*- از اعتراف به هر نوع اتهامی علیه خود مصون باشد.

*- از شرکت در هر نوع جنگ و هر نوع آموزش نظامی خودداری کند.

*- از وارد شدن در ارتش و نیروهای مسلح خودداری کند.

*- از ورود نیروهای انتظامی به محل سکونت خود جلوگیری کند.

(نیروهای انتظامی فقط در صورتی میتوانند بدون اجازه فرد وارد محل سکونت او شوند که: اولاً، حکم دادگاه محل را داشته باشند. و ثانیاً، هدف شان نجات جان فرد یا افرادی در آن محل یا خنثی کردن خطر جانی برای افرادی باشد.)

ب: حقوق کودکان

تمام کودکان، تا سن ۱۸ سالگی، باید از امکانات و مزایای زیر برخوردار باشند:

*- غذای سالم با پیشرفته ترین استانداردهای بین المللی،

*- مسکن مناسب در سطح استانداردهای بین المللی،

*- بهداشت و درمان در سطح استانداردهای بین المللی،

*- وسایل بازی و تفریح،

*- تحصیل عمومی،

*- مصونیت از آزارهای جسمی، جنسی و روحی،

*- مصونیت از هر نوع دست اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی،

*- مصونیت از تلقین عقاید، ارزشها و باورهایی که مربوط به بزرگسالان است،

موخره

برای تضمین حقوق بالا، باید هر دولتی که در ایران سر کار می آید:

۱- بیانیه حقوق شهروندان را به رسمیت بشناسد.

۲- تمام امکانات لازم برای دستیابی شهروندان به این حقوق را تأمین کند.

۳- تمام اقدامات لازم را، برای به اجرا گذاشته شدن تمام مفاد این بیانیه، انجام دهد.

۴- حق مردم را، در اقدامات متحد و متشکل برای تحت فشار گذاشتن دولت جهت اجرای مفاد این بیانیه، برسمیت بشناسد.

۴۰ هزار امضا در حمایت از کمپین "بودجه عالانه" و ضرورت گسترش اعتراضات معلمان

محمد شکوهی

در هفته های اخیر کمپینی از طرف فعالان معلمان و بازنشستگان فرهنگی در اعتراض به مشکلات معیشتی معلمان، آموزشی و کمبود امکانات به خصوص در مناطق محروم تحت عنوان "بودجه عادلانه" به راه افتاده است. بر اساس آخرین خبرها نزدیک به ۱۴۰ هزار امضا در حمایت از خواسته های معلمان در این کمپین جمع آوری شده است.

گذشته تمامی این امضاها به نمایندگان کمیسیون آموزش، کمیسیون تلفیق و هیات ریسه تحویل داده شد.

در سال های اخیر مبارزات معلمان در اعتراض به حقوق های کم، کمبود امکانات آموزشی در مدارس، وضعیت بد معیشتی بازنشستگان و ... ادامه داشته است. چندین اعتراض بزرگ و سراسری مقابل مجلس و نهادهای حکومتی و در سراسر کشور برگزار شده است. واکنش حکومت به این مبارزات تا به حال همه اش دادن وعیده و وعید و سردانیدن معلمان بوده است. طبعاً این ابتکار معلمان قابل دفاع است و باید از این حرکت دفاع کرد. اما این را هم باید در نظر داشت که کمپین فوق یکی از اقدامات می باشد و نهایتاً هم به احتمال زیاد با مخالفت دولت روبرو شده و مشمول مرور زمان خواهد شد. خوشبختانه فعالان مبارزاتی معلمان هم به این نکته پی برده و در تلاش هستند برای رسیدن به مطالباتشان مبارزاتشان را سراسری تر کرده و با آمدن به خیابان و سازماندهی اعتراضات سراسری و گسترده خواسته هایشان را به دولت و حکومت تحمیل نمایند.

در هفته ها و ماههای اخیر شاهد نمونه های خوبی از این اعتراضات و طرح خواسته های معلمان بودیم. و این

جای امیدواری است. معلمان و بازنشستگان فرهنگی باید بدانند که حکومت براحتی پای پاسخگویی به مطالباتشان نخواهد آمد. تنها راه گسترش مبارزات، سراسری شدن و ایجاد نهادها و تشکل های مبارزاتی برای سازماندهی این اعتراضات و رویارویی قدرت و نیروی معلمان با حکومت می باشد. هر چه معلمان دارند نه از صدقه سر حکومت، بلکه حاصل مبارزه طولانی و یک روزآزمایی بین حکومت و معلمان بوده است.

افزایش حقوق های معلمان و فرهنگیان بازنشسته، پرداخت به موقع حقوق ها، اجرای نظام هماهنگ و سایر مطالبات معلمان در کنار اختصاص بودجه کافی به آموزش و پرورش و فراهم آوردن امکانات تحصیلی در مدارس استاندارد و امن از جمله خواسته های مبارزات معلمان می باشد. برای تحمیل این خواسته ها به حکومت باید دست به مبارزه ای سراسری و متحد و سازمانیافته زد و حکومت را مجبور به قبول خواسته ها کرد. این حکومت فقط زبان زور و مبارزه می فهمد.

۱۱ اسفند ۱۳۹۵، اول مارس ۲۰۱۷

سمینار درباره نئو فاشیسم

- زمینه های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی عروج راسیسم در قرن بیست و یکم
- از راسیسم به فاشیسم: راسیسم در حکومت
- ویژگی های فاشیسم در این دوره: آنتونومی ترامپیسم
- نقش ابزاری راست افراطی برای بورژوازی غرب
- ترامپیسم و اسلام سیاسی
- تناقض نئوفاشیسم با ساختار و بافت جهان قرن بیست و یکم

رفقای عزیز روز جمعه ۱۰ مارس ساعت ۹ تا ۱۰ و نیم شب سمیناری در مورد نئوفاشیسم در جوار کنگره خواهیم داشت. بحث را من ارائه میدهم.

به امید دیدار همه رفقا در کنگره حمید تقوایی
۳ مارس ۱۷

موضوع: عروج فاشیسم، زمینه ها و پیامدها

رئوس بحث:

- مراحل انکشاف کاپیتالیسم از لیبرالیسم کلاسیک تا راسیسم عربان، اقتصاد سیاسی متناظر با این مراحل

پیامهایی به دهمین کنگره حزب

آرمین دشتی از ایران

من همانند بسیاری از جوانان دیگر از طریق تلویزیون کانال جدید با حزب آشنا شده ام. آنچه که از زبان رهبران و فعالین این حزب شنیده ام خواست هایی است که همیشه در دل خود آرزوی آنرا داشته ام. این حرفها را به دوستان خود گفته ام و در هر جمعی که فرصت و امکانش بوده تکرار کرده ام و کمتر دیده ام که کسی با این حرفها مخالف باشد. به راستی چه کسی میتواند مخالف اعدام و شکنجه نباشد؟ چه کسی می تواند خواستار از بین رفتن فقر و گرسنگی در ایران نباشد؟ چه کسی خواستار آزادی و شادی و رفاه نیست؟ و چه کسی می تواند مخالف نابودی جمهوری اسلامی نباشد؟ هستند اراذل و اوباشی که ثروت های میلیاردی دارند و می ترسند که با رفتن جمهوری اسلامی آنرا از دست بدهند ولی اینها اقلیتی بسیار کوچک هستند. من یکی دو سال است که دبیرستان را تمام کرده و

مهدی پویا

با درود به شرکت کنندگان در کنگره دهم حزب کمونیست کارگری من از طریق یکی از بستگان نزدیک با حزب کمونیست کارگری آشنا شدم ولی به عنوان یک کارگر جوشکار در تمام زندگی خود از نزدیک شاهد ظلم و ستم جمهوری اسلامی و سرمایه داران آن بوده ام. به همین دلیل خودم را عضو این حزب می دانم که همواره از حقوق کارگران دفاع کرده و دزدی های روسا و مدیران را افشا کرده است. من بخوبی میبینم که برنامه های تلویزیون کانال جدید تا چه حد حرف دل کارگران را میزند و

ناچار به ناتمام گذاشتن تحصیل خودم در دانشگاه شدم. اکنون که بیش از یک سال است ناچار به خدمت سربازی شده و با دهها جوان دیگر آشنا شده ام و می بینم که همگی از جمهوری اسلامی و از شرایط حاضر متنفرند و فهمیده ام قلب اکثریت مردم ایران آرزوی چیزهایی را دارد که این حزب می گوید و میخواهد. به همین دلیل خودم را عضو حزب کمونیست کارگری می دانم و آرزوی پیروزی آنرا دارم. من با آنچه در کنگره های حزب میگذرد، آشنایی زیادی ندارم ولی با گفتگوهایی که با یکی از کادرهای حزب داشته ام و با آنچه که از تلویزیون کانال جدید شنیده ام، احساس میکنم که در آنجا تصمیم های مهمی گرفته میشود. و این تصمیم ها می تواند سرنوشت مردم ایران و بخصوص جوانانی مثل من را تغییر دهد.

برایاتان آرزوی پیروزی دارم و امیدوارم که روزی بتوانم شما را از نزدیک ببینم و دست شما را بفشارم

به آنها در مبارزاتشان کمک می کند. ما کارگران نمی خواهیم بیش از این زندگی چند مرتبه زیر خط فقر را تحمل کنیم و خواستار نجات از شر جمهوری اسلامی هستیم. من هم مانند بسیاری از کارگران معتقدم که فقط این حزب است که می تواند به ما کند تا یک زندگی در شان آدمیزاد داشته باشیم. امیدوارم که کنگره شما مثل همیشه بیشتر توجه خودش را روی مبارزات کارگران و پیدا کردن راههایی برای به پیروزی رساندن اعتراضات آنها بگذارد.

برای این کنگره آرزوی موفقیت و برای حیزمان آرزوی پیروزی دارم

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

لیست کامل ۱۴۰ نماینده کنگره دهم حزب به

آئین نامه کنگره دهم حزب

ترتیب الفبا

تعیین میشوند. در مواردی که به بحث بیشتری نیاز باشد طبق بند ۶ عمل خواهد شد.

۶- نوبت گرفتن در سالن برای بحث و نظر دهی حول اسناد بصورت کتبی است. از میان کسانی که نوبت گرفته اند تعداد لازم به قید قرعه تعیین میشوند.

۷- کفایت مذاکرات به پیشنهاد هیات رئیسه و یا دو نفر از نمایندگان به رای گذاشته میشود.

۸- کنگره تنها به مباحث و پیشنهادهای میسر دازد که از قبل بطور کتبی در اختیار کنگره قرار داده شده باشد و کنگره ورود آنها را به دستور تصویب کرده باشد. هیچ قرار و طرح قطعنامه جدیدی در کنگره دریافت نمیشود و به رای گذاشته نمیشود. (تصویب استثناء بر این قاعده تنها با رای نصف بعلاوه یک نمایندگان مجاز است).

۹- گزارشات به رای گذاشته نمیشود. وقت موجود میان سخنرانان تقسیم میشود. پس از اظهار نظر سخنرانان مختلف، یک نوبت کوتاه نهائی برای توضیح بیشتر در مورد جوانب مورد بحث گزارشات به ارائه دهندگان آنها داده میشود.

۱۰- در پایان هر اجلاس وقت مناسبی برای اظهار نظر میهمانان و ناظرین اختصاص داده میشود.

۱- هیات رئیسه کنگره بوسیله کنگره انتخاب میشود.

۲- تمام تصمیمات با اکثریت نسبی آرای نمایندگان تصویب میشود.

۳- رای گیری در کنگره بجز در انتخابات کمیته مرکزی علنی است. شمارش دقیق آرا در رای گیری های علنی در مواقعی که تفاوت رای های موافق و مخالف عیان است ضروری نیست. در صورت نزدیک بودن رای های مخالف و موافق، به تصمیم رئیس و یا با پیشنهاد ۲ نفر از نمایندگان آراء شمرده میشود.

۴- در طرح هر قطعنامه و قرار و پیشنهاد، موافق و مخالف به تعداد مساوی صحبت میکنند. ارائه دهنده هر قطعنامه یک نوبت در پایان بحث برای جمع بندی مبحث خواهد داشت. ارائه دهندگان قرارها نوبت جمع بندی نخواهند داشت.

تبصره: هر قرار یا قطعنامه میتواند بنا به تصمیم ارائه دهنده اصلی بوسیله دو نفر، تهیه کننده متن سند و یک نماینده دیگر به انتخاب او، ارائه شود. در این صورت وقت ارائه بحث بین دو نفر تقسیم میشود.

۵- بعد از ارائه هر قطعنامه حد اقل دو مخالف و دو موافق و بعد از هر قرار حداقل یک مخالف و یک موافق به مدت مساوی صحبت میکنند. این سخنرانان از میان داوطلبین بوسیله هیات رئیسه و با تایید کنگره

ناهید قربانی
طغرا قره گوزلو
سرور کاردار
اصغر کریمی
محمد کریمی
مسعود کریمی
ناصر کشکولی
بهرام کلاه زری
خلیل کیوان
عبدل کلپرینان
عزیزه لطف الهی
شیوا محبوبی
کاظم نیکخواه
نسان نودینیان
شهناز مرتب
محمد امین کمانگر

یدی کوهی
عباس ماندگار
نوید محمدی
آرمان محمدی
فاروق محمدی
یدی محمودی
سعید مدانلو
هادی مدانلو
اسماعیل مردوخی
سیامک مکی
مهسا ممتحنی
هادی موسوی
بهروز مهرآبادی
کاوش مهران
بهار میلانی
جمیله میرکی
نوید مینایی
فاضل نادری
آرش ناصری
خالد ناصری
محمود نجفی
سارا نخعی
سمیر نوری
ستار نوری زاد
کوروش نیکخواه
افسانه وحدت
اسماعیل هدفمند (اسی برلین)
اوزگور یالچین
رحیم یزدانپرست
بابک یزدی

غریبه حسینی
آزاد خاده
بهمن خانی
شهلا خباززاده
فرزانه درخشان
شهلا دانشفر
میترا دانشی
پتی دبویتاس
پاسکال دکامپ
حامد راستکردار
احمد رحمانی
صابر رحیمی
پری رشیدی
ایرج رضایی
فرهاد رمضانعلی
هرمز رها
نسرین رمضانعلی
خالد زارعی
سیامک زارع
امیر زاهدی
گیتا زینلانی
بهرام سروش
هوشیار سروش
نگار سروعلیشاهی
کریم شاه محمدی
لیلی شعبانی
عصام شکری
محمد شکوهی
سودابه شکیبا
شیرین شمس
مصطفی صابر
جمال صابری
سوسن صابری
کیا صبیری
حسن صالحی
نازنین صدیقی
نسرین صفری
راضیه صلواتی
شمی صلواتی
فرامرز عبیدی
آسو عبیدی نژاد
اندیشه علیشاهی
رضا فتحی
ایرج فرجاد
جمیل فرزاد
سیروان قادری
نوشین قادری

فریده آرمان
داوود آرام
پروین آزاد
طه آزادی
فرزاد آزادی
پیام آذر
کیان آذر
مسعود آذرنوش
سیاوش آذری
مجید آذری
محمد آسنگران
گیتی آقاجانی
امیر آینه چی
رحمت ابراهیمی
محسن ابراهیمی
فرشاد ابوالحسنی
مینا احدی
هیوا احمد
محمود احمدی
عبداله اسدی
ناصر اصغری
زری اصلی
مجید اصلی
سعید اعتضادزاده
غلام اکبری
احسان اکبرزاده
تیمور امجدی
سیامک امجدی
صبری امیرحسینی
سیروس ایل بیگی
نازنین برومند
شادی بهار
بهروز بهاری
سیامک بهاری
سیما بهاری
شهاب بهرامی
فاتح بهرامی
شرمین بهمنی
آذر پویا
امیر توکلی
حمید تقوایی
کیوان جاوید
علی جوادی
جلیل جلیلی
شیرزاد چوپانی
سعید حیدری فر
طه حسینی

**Long Live
the 8th March,
the International Women's Day!**

**زنده باد ۸ مارس،
روز جهانی زن**



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود